

گریز اجباری

ماجرای دو مهاجر افغانستانی

نگارش محمد افضل ناصری

را علاقمندان از آمازون به دست آورده می توانند.

Amazon.com

amazon

Forced to Flee

A Tale of Two Afghan Refugees

Afzal Nasiri

اُسیس

در امریکانه

\$1.50

شماره یازدهم / سال سی و سوم / اول حمل ۱۴۰۴ / ۲۱ مارچ ۲۰۲۵ / شماره مسلسل ۱۱۲۸

مفتم نامۀ مردم افغانستان

فرا رسیدن عید سعید فطر و سال نو و نوروز باستانی

به همهٔ تان مبارک باد !

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا مُحَوِّلَ الْحَوَالِ وَالْأَحْوَالِ، حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ

افغان مینى مارکیت عرضه کوننده

انواع مواد خوراکه وطنی

یگانه مغازه افغانی

در منطقه واشنگتن بزرگ

که تازه ترین موادخوراکی، میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، وگوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسب تقدیم می کند

6566 Backlick Rd Springfield. VA 22150

Tel:703-644-0186 Cell:703-499-3313

گزارش تحلیل از روز جهانی زن و یادی از نادیه انجمن



آقای محمدعظیم الفتی

در تاریخ ۸ مارچ ۲۰۲۵، شاعران، نویسندگان، ژورنالیستان، مدافعین حقوق زنان جامعه افغان امریکایی مقیم ویرجینیا گردهم آمدند تا در یک مراسم باشکوه که توسط کانون فرهنگ و هنر افغانستان به رهبری استادمحمد عظیم الفتی برگزار شده بود، روز جهانی زن را تحلیل نموده و یاد نادیه انجمن، شاعر معاصر افغانستان، را گرامی بدارند. این محفل ارزشمند با حمایت شرکت های Run to Hope Home Care LLC و MELT Solutions LLC برگزار شد و گرداندگی آن را محترمه بانو پروین رحمتی به عهده داشت.

برنامه بعد از ظهر در شهر وودبریج، ویرجینیا با تلاوت پرفیض قرآن کریم توسط قاری سمیع الدین فضلی آغاز شد. پس از آن، استادالفتی، ضمن خوش آمدگویی به مهمانان، بزرگداشت زنان و ارج نهادن به نقش بی‌بدیل آنان در جامعه را مورد تاکید قرار داد و حقایق جالبی درباره زنان و مردان افغانستان بیان کرد و از زنان پرافتخاری که درعرصه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حقوقی نقش آفرینی کرده‌اند، نام برد. او تأکید کرد که زنان نه تنها خانه را می‌سازند، بلکه چراغ آن را نیز روشن نگه می‌دارند و در دشوارترین شرایط، ستون خانواده و اجتماع را استوار نگاه می‌دارند. وی همچنین به چالش‌هایی که زنان افغانستان با آن مواجه‌اند، ازجمله محدودیت های آموزشی و حرفه‌ای، اشاره کرد و بر ضرورت حمایت از آنان تاکید ورزید.

بخش اصلی برنامه شامل سخنرانی‌های ارزشمند و شعرخوانی‌های دلنشین بود. محترم داکتر سید مخدوم رهین، مشاور ارشد کانون فرهنگ و هنر افغانستان، درباره زنان فرمانروا و تأثیرگذار در تاریخ سخن گفت و به نقش آنان در پیشرفت جامعه پرداخت. بانو جمیله رهین، رئیس تدارکات کانون، در مورد تاریخچه روز جهانی زن معلومات ارائه کرد. در ادامه، دوشیزه حسناعثمانی، هیئت مدیره کانون، و آقای محمدفاروق مایل، مشاور کانون، اشعاری پیرامون زن و مقامش در جامعه دکلمه و سخنان کوتاهی درباره جایگاه زن بیان داشتند.

همچنین بانولیلا الفتی، عضو کانون و رئیس مالی شرکت MELT Solutions، و دوشیزه الهه احرار، رئیس سازمان جهانیهربانی، صحبت‌های ارزشمندی درباره واقعیت‌های عینی زن افغان ارائه کردند و اشعار زیبایی در مورد زنان قرائت نمودند.

پس از وقفه‌ای کوتاه برای افطار و صرف غذا، برنامه با سخنرانی‌های بیشتر ادامه یافت. محترم آقای جاراالله منصوری، مشاور کانون، در مورد جایگاه زن در جامعه صحبت کرد و از طریق تفسیر چند مصرع از نادیه انجمن و سعدی، مقام والای زن و مشکلات زنان در جامعه کنونی را بررسی کرد. محترمه انجنیر سهیلا شکیب معاون علمی افغان آکادمی سیر تحول حقوق زنان را در طول تاریخ مورد تحلیل قرار داد و بانو حسینا عثمانی جایگاه زن را از منظر اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مورد (ص ۸)

چگونه رول قرآن را در پایداری محیط زیست خلاصه کرده می‌توانید؟

جناب آقاسی میگوید؛ در قرآن نه واژه ای نقد و نه واژه ای قانون، نه معنی آن وجود دارد ، ولی مفهوم آن وجود دارد. بلی کلمه نقد و قانون وجود ندارد و هم راست است که مفهوم شان بوضاحت کامل خوانده میشود.

نقد بنوع ارزیابی و تعقل آمده و قانون هم به قسم شریعت و احکام الهی که پیروی شود چطور میتوانید این امر را خلاصه سازید. این دو کلمه عربی که در قرآن دیده نمیشود ولی مفهوم آن در هر جا نمایان و مشرح است، پس مشکل در کجاست؟ و چه باید خلاصه شود. به زعم من هر عملی که در خلاصه ای قرآن به هر نوعی که باشد به عمل بیاید خیانت کلان به قرآن کریم است. قانون که مجموعه ای از قواعد و مقرراتی است که توسط یک مرجع حاکم وضع میشود، آیا قرآن کریم هم مجموع از قواعد و مقررات و احکام نیست که از طرف یک مرجع حاکم چون خداوند جل و علی شانه وضع شده است که همان شریعت است، چطور میتوانید آنرا خلاصه سازید؟ بناء، به نظر من این خلاصه سازی برای آنست که افکار مردم منور نه بلکه مکدر گردد. بلی، در قران مفهوم نقد و قانون که مجموعه از قواعد و مقررات است وجود دارد که تذکر و تدریس آن منجر به خیانت به قرآن نه بلکه به حمایت و اعتقادات عمیق قلبی می انجامد.

و در قسمت فتوا محترم آقاسی گفت: فتوا حتی به پیامبر اجازه داده نشده و آیه ۱۲۷ النساء اشاره کرده است. جناب شان ممکن به چت جی پی تی و یا دانشنامه اسلامی اکتفا کرده باشند. ولی من در چند ماحذی که در دسترس خود دارم چنین ادعا را تایید کرده نتوانستم، قضاوت را بشما میگذاریم:

تفسیر معارف القرآن جلد چهارم صفحه ۱۶۶ مینویسد: «و از تو اجازه می خواهند در نکاح زنان، بگو خدا به شما اجازه میدهد آنرا و آنچه خوانده میشود بر شما در قرآن. پس حکم است. در ترجمه آنلاین القرآن الکریم: از تو در باره ای زنان فتوی میخواهند، بگو: خدا در باره ای آنان به آنچه در این کتاب بر شما خوانده میشود فتوا داده است...»

در ترجمه انگلیسی قرآن کریم که تحفه حج ما درروز برگشت بوطن بود، صفحه ۱۲۹: They ask your legal instruction concerning women, say” “Allah instruct you about them, and about what is recited to you in the Book..

از تو در باره ای هدایت قانونی به ارتباط زنان پسران میکنند، بگو: الله در باره ای شان به من هدایت داده است و آنچه در قرآن میخوانید. (جمله انگلیسی در نشر سایت آریایی روز دوشنبه دهم مارچ ۲۰۲۵ پس و پیش آمده// https://www.ariaye.com/dari21/siaisi4/dastagir2.html که درین جا اصلاح شده است).

در: ترجمه شاه ولی الله محدث دهلوی صفحه ۱۱۹: از طلب فتوی می کنند از تو در باب زنان (یعنی چه نوع با ایشان معامله باید کرد) بگو خدا فتوا میدهد شما را در باب زنان و آنچه خوانده میشود بر شما در کتاب نازل شده.....

تفسیر کابلی جلد اول صفحه ۵۷۲: و فتوی می خواهند از تو در باره ای زنان؛ بگو خدا اجازه میدهد به شما در باره شان و آنچه خوانده میشود به شما در قرآن (پس حکم است)...

حقا که فتوا تنها از طریق تعلیمات قرآن ، احادیث نبوی و فقه است و توسط یک شورا و یا عالم مورد بحث با تایید دیگر علما ارائه شده میتواند نه هر کس و لو به هر مقامی که باشد. روان شاد دکنور محمد یوسف قرضای در کتاب گفتنمان دینی در عصر ارتباطات، فصل ۱۱ از صفحه ۲۳۶-۲۲۶ معلومات مفید در باره فتوا نوشته است. وی اقرار کرده است که آنچه در کتاب حلال و حرام در این باره نوشته بر مردم دشوار بود و درین جا به آسانی فتوا توصیه میکند یعنی به یسر و لا تعسر (ص ۸)

داکتر غلام محمد دستگیر برومفیلد، کولورادو

خلاصه قرآن

عنوان فوق سوژه بحث و مذاکره یی بود که در پروگرام بین المللی سیاست افغانستان با گرداندگی عالیقدر عزیز جناب محترم حامد ضرابی بروز پنجشنبه ۲۰ فروری ۲۰۲۵ در یوتیوپ بخش شد. درین بخش که دانشمندان عالیمقام چون داکتر میرزا قاسم آقاسی و پروفیسر داکتر زمان ستانکزی شرکت داشتند مثل همیشه دلچسپ و چشم واکن بود. به اجازه ضرابی صاحب و شرکت کنندگان میخواهم چندسطر درباره گفتارشان عرض بکنم. خوانندگان عزیز ازینکه پساتر مینویسم معذرتم را بپذیرید. آمادهٔ مرور درافت اول این نوشته بودم که به یک حمله فلولی شدید متراقی سینه بغل و ششهای مرطوب مصاب شده داخل بستر شفاخانه گردیدم. امروز هفتم مارچ ۲۰۲۵ که بهبود حس کردم این نوشته را حضور تان تقدیم میکنم.

قرآنکریم نه مقالهٔ طویل است که باید در اخیر خلاصه اش نگاشته شود و نه پروژهٔ پژوهشی هست که قرار نورم مجله های علمی باید خلاصه اش قبل از متن ذکر گردد. در این جا من آنچه عرض میدارم لطفاً به دقت مرور نموده اگر اشتباهی رخداده است با بزرگواری تان مرا مطلع سازید:

مسلمانان جهان که اکنون ۱۰۶ بلیون و تا سال ۲۰۳۰ به ۲٫۲ بلیون میرسند به این باور هستند که قرآن کلام بشر نیست و پروفیسرانی که مسلمان نیستند مانند یک – پروفیسور E. Marshal Johnson، پروفیسور و شف کرسی اناتومی و بیولوژی نمویی و دایرکتر مؤسسهٔ اناتومی دانیل باو یا Daniel Baugh از دانشگاه تامس جفرسن، فلادفلیا، پنسلوانیا که یک ساینستست است نه فیلسوف گفت آنچه قرآن درباره علم الرشیم ۱۴۰۰ سال قبل گفته توسط یک فرد امی که حتی قادر به نوشتن نباشد امکان ندارد و به این نتیجه رسید که قرآن کلام الله هست: چگونه میتوان این نتیجه گیری را خلاصه ساخت؟

دو – پروفیسور Joe Leigh Simpson، پروفیسور و شف دیپارتمنت نسایی و ولادی بیلر کالج آف مدیسن، هوستن تکساس امریکا رئیس انجمن بار داری یا fertility، بارنده ای جوایز متعدد بشمول جایزه ای از انجمن پروفیسوران نسایی و ولادی در سال ۱۹۹۲ نوشته است: از او تعجب کرد که قرآن و حدیث متن های در بارهٔ تخصصش دارد. وی درک نمود که نه تنها در دین اسلام بین جینیتیک و دین مغایرت وجود ندارد بلکه (قرآن) میتواند ازین مکاشفه، ساینس را به بعضی از عملیه های علمی رهنمایی کند. در قرآن بیاناتی وجود دارد که حمایت آن از جانب خداوند آمده امروز قرنها بعد صحیح ثابت شده است یعنی از قرآن کلام بشری نیست: این ادعای علمی را شما چطور خلاصه ساخته میتوانید؟

سه – پروفیسور Maurice Bucaille، موریس بوکی که مولف کتاب مشهور از انجیل، قرآن و ساینس در سال ۱۹۷۶ است بعد از ده سال ریسرچ در یک سخنرانی که در اکادمی طب فرانسه ایراد نمود به فزیولوژی و توالد و تناسل تماس گرفته گفت: برای دانش ما نا ممکن است تا نظریات تذکر یافته متن قرآنی زمان قرآن را (۱۴۰۰ سال قبل سال اسلامی) را که تنها در عصر مدرن کشف گردید توضیح دهیم. (داکتر دستگیر، لحظه ای با جوانان صفح ۳۰-۳۵ ناشر شاهنامه نیدرلیند ۲۰۲۳). باز هم شما چگونه میتوانید فزیولوژی توالد و تناسل را که در متن قرآن در مراحل مستند تذکر یافته خلاصه سازید؟

قران کریم سی (۳۰) جزء دارد و هر کدام به جز از جزء اول تا قسمتی از جزء سوم چندین سوره داشته همه صد ها آیه دارند. جزء اول که سورة نمبر ۲ البقره نام دارد دارای سوره های نمبر اول و دوم (الفاتحه و البقره) ۷+ ۱۴۱ آیات دارد. شما چگونه میتوانید ۳۰ جزء را به دو جزء و چندین سوره را به چند سوره و صد ها آیه را به ۲۰ آیه خلاصه سازید؟ چگونه میتوانید مراحل مختلف نموی یک رشیم را فقط به تشکل اعضا خلاصه کنید؟

محمود صیقل در باب گفتگوهای امنیتی هرات در مادرید

چند روز قبل، در میزگرد گفتگوهای امنیتی هرات که امسال در شهر مادرید اسپانیه دایر شد، شرکت نموده بودم. در گفتمان چند شخصیت سرشناس از ایران، پاکستان، اروپا و آمریکا نیز حضور داشتند.

چند نکته مهم را برای خاتمه دادن به بازی های ژئوپلیتیک تباهکن در افغانستان و منطقه مطرح کردم که تا اندازه یی در خور توجه جوانب مختلف قرار گرفت.ترجمه نکات کلیدی صحبتم در این میزگرد:
از دهه ۱۹۷۰ به اینطرف، یک تعداد بازی های ژئوپلیتیکی، با پیچیدگی های تدریجاً افزایش- یافته، در داخل و اطراف افغانستان با تأثیرات فاجعه بار بر مردم ما و دیگران صورت گرفته است. حتی بازی هایی که در مناطق دورتر مانند اوکراین، غزه و هندو-اقیانوسیه انجام می شود، فضایی را برای رشد خشونت در افغانستان ایجاد کرده است.

تعدد بازی ها و بازیکنان و نیابتی های آن، صلح افغانستان را دشوارتر می سازد.وجه مشترک تعداد زیادی از این بازی ها استفاده کورکورانه از سیاست واقعی (رئلیسلیتیک) برای دستاوردهای کوتاه مدت خاص یک کشور است، اما مشکلات میان مدت و درازمدت برای همه، از جمله محرکان آنها بار می آورد.

تهاجم شوروی در دهه ۱۹۸۰ منجر به فروپاشی خودش شد. همچنین، کسانی که در منطقه، حدود ۳۰ سال پیش طالبان را به یک نیروی جنگی تبدیل کردند تا از آنها به عنوان ابزاری در تعقیب اهداف استراتژیک استفاده کنند، و آنهایی که در منطقه آنها را برای ضربه زدن به دشمنان بین المللی خود بیشتر حمایت کردند، ممکن است شیرینی های کوتاه مدت داشته باشند، اما همه آنها امروز از اداره طالبان رنج می برند و ناچار به دنبال گزینه های قابل دوام دیگر هستند.

واقعیت غم انگیز این است که با توجه به طبیعت انسان، ممکن است برخی از این بازی های بی پروا همچنان ادامه یابد. اما من فکر می کنم راه ها و روش هایی برای کاهش جنبه های مخرب آنها به نفع همه وجود دارد.

در این راستا، به طور خلاصه به سه نکته کلیدی اشاره می کنم:

اول: به نفع همه است که افغانستان خودش یک بازیکن باشد. تاریخ نشان می دهد که هر بار که افغانستان خود بازیکن بوده است، مردم ما، منطقه و جهان در کل از آن بهره برده اند؛ مثلاً: در دهه ۱۹۴۰ تا دهه ۱۹۶۰ ما عدم انسلاک و بی طرفی خود را نسبتاً درست مدیریت کردیم و همه از آن مستفید شدند. حتی از جنگ جهانی دوم جان سالم به در بردیم.بنابراین، رام کردن بازی های ژئوپلیتیکی معاصر در افغانستان و اطراف آن با تبدیل شدن خود افغانستان به یک بازیکن و داشتن صدا در این بازی ها آغاز می شود.

در شرایط کنونی، نمایندگی واقعی از افغانستان در نشست های منطقه ای و بین المللی یا کاملاً غایب باقی مانده است، یا نادرست معرفی شده است، یا در سایه دیگران دیده شده است؛ به عنوان مثال: در پلتفرم های منطقه ای و بین المللی در مورد افغانستان منجمله نشست های وزیران خارجه همسایگان افغانستان، فرمت مسکو، نشست های امنیتی منطقه ای در مورد افغانستان، نشست های دوحه سازمان ملل متحد و غیره یا افغانستان کاملاً غایب است و یا هم با چهره طالبان از آن نمایندگی صورت گرفته که نه مشروعیت داخلی دارد و نه مشروعیت بین المللی. زمانی که ما مشروعیت را برای حکومت داری در کشور خود بیاوریم، افغانستان خود به خود در بازی های ژئوپلیتیک نقش آفرینی می کند. ما روی مشروعیت دولتهاری کار می کنیم و به آرامی اما مطمئناً در حال پیشرفت هستیم.

همین چند روز پیش، بازیگران برجسته ملی سیاسی، مدنی و نظامی در پنجمین دور روند وینا شرکت کردند. این روند ساختارش را بهبود بخشیده و به روی همه بازیگران باز میشود تا

برای یک افغانستان دموکراتیک صدای شانرا داشته باشند. زنان و مردان ما برای حقوق اولیه انسانی خود محکم ایستاده اند و همچنان بهای سنگینی را در این تلاش می پردازند. هیچ کسی نباید در عزم قوی مردم ما برای آزادی، برابری و عدالت شک کند.

راهبرد اپوزیسیون با دفاع از مردم و فشار لازم بالای طالبان به منظور ایجاد زمینه بازی برابر برای مذاکره میان همه بازیگران سیاسی ادامه خواهد یافت.

کاملاً واضح است که در زمان طالبان، افغانستان به محل پرورش خشونت و ترور علیه مردم خودمان و تهدیدی برای صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی تبدیل شده است.

طالبان ثابت کرده اند که گزینه مناسبی برای هیچ کس نیستند. شکاف ها و شکست و ریخت های آشکاری در میان آنها مشهود است و مقاومت ما آسیب پذیری بیشتر آنها را در عرصه های مختلف ثابت کرده است.

بنابراین، ما گام های خود را برای تبدیل شدن به یک بازیکن در سرنوشت خود برمی داریم و انتظار داریم که منطقه و جهان در کنار ما باشند، نه جلوتر از ما، نه پشت سر ما! به این ترتیب می توان به منافع همه دست یافت.

دوم: درک منطقه افغانستان: منطقه افغانستان ویژگی خاص خودش را دارد: بخش هایی از آسیای مرکزی، جنوب آسیا، غرب آسیا (خاور میانه)، و چین و حوزه های تمدنی شانرا در بر می گیرد. کشور ما توسط ساختار های امنیتی آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و خلیج فارس (خاورمیانه) احاطه شده است، اما بخشی از هیچ یک از آنها نیست. ما خیلی زیاد با همه گروه های بزرگ اقتصادی و سیاسی منطقه ای مصروف هستیم و عضویت اکثر شانرا داریم: سازمان همکاری اقتصادی، سازمان همکاری شانگهای (گروه تماس)، انجمن همکاری منطقه ای جنوب آسیا و پروگرام همکاری اقتصادی منطقه ای آسیای مرکزی. هیچ کشور دیگر در منطقه به این اندازه در همه گروه ها شامل نیست.

بنابراین، در حالی که ما به همه آنها تعلق داریم، صد فیصد به هیچ یک از آنها تعلق نداریم – وقتی در اسلام آباد یا دهلی هستیم در جمع مردمان آسیای جنوبی خود را حساب میکنیم، وقتی در تاشکند یا دوشنبه هستیم در جمع مردمان آسیای مرکزی خود را میشماریم، وقتی در تهران و دبی هستیم خود را در جمع مردمان آسیای غربی (خاورمیانه) میشماریم و وقتی در پکن هستیم در جمع مردمان آسیای شرقی هستیم. ولی یک چیز واضح است و آن اینکه ما قلب آسیا هستیم که خون را در شاهرگ های مناطق اطراف خود پمپاژ می کنیم. بسیار مهم است که افغانستان ساختار امنیتی خاص خود را داشته باشد. ما روی آن کار کرده ایم. خوشحال می شوم اگر زمان اجازه دهد، جزئیات را به اشتراک بگذارم.

سوم: افغانستان سکوی صمیمیت برای همه : وقتی افغانستان خود یک بازیکن باشد و منطقه اش کاملاً تعریف، درک و محافظت شده باشد، طبیعتاً می تواند به سکوی صمیمیت، دوستی و همکاری برای همه تبدیل شود – این ندای موقعیت حساس ژئواستراتژیک کشور ماست. این به ادامه مسیر سنتی موضع گیری بی طرفانه افغانستان یا متعادل کردن منافع قدرت های رقیب به شیوه ای معنادارتر خواهد بود.

در سال ۲۰۱۸، زمانی که من سفیر افغانستان در سازمان ملل بودم، این موقف را با همه کشورهای مرتبط مذاکره کردیم و تقریباً از همه پاسخ مثبت دریافت کردیم. ما حتی یک پاراگراف جدید در این مورد در قطعنامه مجمع عمومی در مورد وضعیت افغانستان اضافه کردیم. ما می خواهیم که افغانستان برای مردم خود ما، مناطق اطراف ما و شرکای فرامنطقه ای ما به سرمایه برای همه و نماد همکاری بین المللی تبدیل شود. این تمایل افغانستان به تقویت صلح، امنیت و توسعه در منطقه کمک می کند.

من فکر می کنم پس از همه مصیبت هایی که پشت سرگذاشته ایم، بازیگران مختلف منطقه ای و جهانی به این نتیجه رسیده اند که با نجابت و حسن نیت در عزم، گفتار و کردار، این موقعیت افغانستان را محترم بشمارند، حمایت کنند و آنرا تعارف نمایند.

پنج ماه قبل، در ۲۷ سپتامبر سال گذشته، وزرای خارجه چین، ایران، پاکستان و روسیه در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد با یکدیگر دیدار کردند. آنها در بیانیه ای توافق کردند که افغانستان لایه جای رقابت ژئوپلیتیکی باید به عنوان یک سکوی همکاری بین المللی عمل کند. امیدواریم این وضعیت افغانستان از حمایت باقی بازیکنان مطرح در حیات کشور ما برخوردار گردیده و با قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد تقویت و عملیاتی شود.

احساس میکنم پس از همه آزمون ها و خطاها (ص ۸)

داکتر ضیا نظام

فیرفکس، ورجینیا

بار سنگین قرضه‌های خارجی بالای کشورهای فقیر

تعدادی از دولت‌های در حال توسعه در چرخه قرضه و بار کمرشکن سود قرضه‌ها گرفتار می‌باشند. براساس آخرین گزارش بانک جهانی، میزان قرضه خارجی کشورهای فقیر در سال ۲۰۲۳ به بالاترین سطح تاریخی خود یعنی ۱٫۴ هزار میلیارد دالر رسیده است. پرداخت مفاد این قرضه‌ها در سال ۲۰۲۳ به‌شکل بی‌سابقه ۳۴٫۶ میلیارد دالر بوده است، یعنی رشد سرسام‌آور کرده و نسبت به چهار دهه گذشته چهار برابر شده است. تعداد ۷۸ کشور فقیر سالانه مبلغ ۹۶٫۲ میلیارد دالر از بابت ۱٫۱ هزار میلیارد دالر قرضه خارجی پرداخت می‌کنند. تادیه این مبلغ گزاف برای کشورهای فقیر کمرشکن می‌باشد و این کشورها را از تعقیب برنامه‌های انکشافی و عرضه خدمات لازم بازمی‌دارد. روزنامه گاردین به‌تاریخ ۲۱ جولای ۲۰۲۴ می‌نگارد که کشورهای در حال توسعه با بدترین بحران بدهی در تاریخ مواجه استند و نظر به مشکلات بودجه‌ای هزینه‌های دو سکتور حیاتی یعنی صحت و معارف در این کشورها کاهش یافته است، زیرا یک قسمت قابل ملاحظه بودجه صرف پرداخت طلب کاران می‌شود. طبق گزارش یک نهاد بین‌المللی فعال در مطالعات قرضه، بیش از صد کشور برای پرداخت قرضه‌های خود مشکلات جدی دارند و در نتیجه سرمایه‌گذاری در قسمت صحت، معارف، کمک‌های اجتماعی و مبارزه با تغییر اقلیم را کاهش داده‌اند.

نهادهای قرضه‌دهنده خصوصی به کشورهای در حال توسعه، قرضه‌هایی با بهره بالا می‌دهند و این امر مشکل بزرگ را برای بازپرداخت قرضه‌ها ایجاد کرده است. با ظهور همه‌گیری کووید ۱۹، حکومت‌های جهان مجبور به مصارف اضطراری اضافی با بهره بالا شدند. لذا قرضه‌های بیش‌تر و سپس افزایش نرخ بهره مصارف مرتبط به قرضه را به شدت افزایش داده و کشورهایی مثل پاکستان، سربلانکا، زامبیا و کینیا تقریباً در حال ورشکسته‌گی قرار گرفته‌اند و کوشش‌های بین‌المللی جهت رهایی این کشورها از قرضه‌های خصوصی چندان نتیجه نداده است.

پاکستان مدت مدیدی است که مشکلات شدید اقتصادی از جمله کسر عظیم بودجه داشته و با گرفتن قرضه امور دولت را پیش می‌برد. مقدار قرضه‌های پاکستان در سال ۲۰۲۲ مبلغ ۱۲۶٫۴ میلیارد دالر بوده که از آن جمله در حدود ۱۰۶ میلیارد دالر قرضه دولتی و یا تحت کنترل دولت و باقی قرضه‌های موسسات خصوصی از جمله بانک‌هاست. قرضه‌های این کشور عمدتاً از چندین نهاد مالی بین‌المللی گرفته شده و چین با ۳۰ میلیارد دالر، عمده‌ترین کشور وام‌دهنده به پاکستان است. میزان بالای قرضه خارجی و مشکل بازپرداخت باعث شده است که پاکستان برای نهادهای مالی بین‌المللی یک کشور ناکام و ورشکسته معرفی شود. قابل یادآوری است که پاکستانی‌های خارج‌نشین نیز هر سال حدود ۲۰ میلیارد دالر به کشور خود ارسال می‌کنند، ولی این مبلغ تاثیر چندانی بر تقویت توان مالی پاکستان نمی‌گذارد. تحلیل‌گران باور دارند که علت اصلی این اقتصاد خراب و اخذ قرضه در سیاست‌های ماجراجویانه، حاکمیت استبدادی ارتش و تروریست‌پروری حاکمان پاکستان نهفته است. در نتیجه، پاکستان در باتلاقی که نظامیان و حکمرانان آن خلق کرده‌اند فرو رفته است.

بیش‌تر کشورهای منطقه ما قرض‌دار بوده و از این بابت دچار مشکلاتند، اما برای بعضی مشکلات کم‌تر بوده است، چون توانایی بازپرداخت را دارند، مثل قزاقستان ۶۷ میلیارد دالر، هند ۵۸۲ میلیارد دالر، ایران ۶٫۳ میلیارد دالر و ترکمنستان ۰٫۵ میلیارد دالر، و برای تعداد دیگر به‌شمول تاجیکستان ۶٫۲۲ میلیارد دالر، اوزبیکستان ۳۳٫۳ میلیارد دالر و قرغیزستان ۱۱٫۱ میلیارد دالر قرضه یک معضله روزافزون است.

افغانستان در جریان بیست سال جمهوریت یک میلیارد و ۸۵۰ میلیون دالر امریکایی از هفت نهاد بین‌المللی و دو کشور (ایتالیا و بلغاریا) قرضه اخذ کرده و ۳۵۲ میلیون دالر آن را پرداخته بود. با این حساب، افغانستان حدود یک‌ونیم میلیارد دالر قرض‌دار می‌باشد. قسمت زیاد این قرضه از بانک جهانی، بانک آسیایی و صندوق وجهی بین‌المللی گرفته شده است. از این پول، برای انتقال برق و ساخت جاده‌ها مصرف شده بود؛ از جمله برای اعمار جاده اندخوی قیصار، ترمیم شاهراه کابل – قندهار – هرات و قسمتی از جاده کمر بند کابل.

در جمله قرضه‌دهنده‌گان بانک انکشاف اسلامی، اوپک فند، سعودی فند و کویت فند نیز شامل می‌باشند. تمام قرضه‌های افغانستان به‌طور قرضه سهل ومفاد یک تادو (ص ۸)

پروفسرداکتر ذبیح الله التزام

گلبرت، اریزونا

برکس و آیندهٔ دالر

کلمهٔ برکس مشتمل است برحروف اول نامهای پنج کشوردنیا یعنی برزیل، روسیه، اندیا(هند)، چین و افریقای جنوبی. اینها که تعدادشان فعلابه چهارده رسیده ونصف نفوس دنیا رادربر دارند وجهل ویک فیصد تولید دنیااز آنها است، درسال ۲۰۰۹ یک سازمان بین المللی راتشکیل دادند که هدف شان جبهه گیری درمقابل موسسات مهم دنیا همچوگروپ هفت، بانک جهانی، شورای امنیت ملل متد وبالاخص صندوق وجهی بین المللی بوده است. این سازمان ادعا دارد که موسسات فوق الذکرتحت اثرممالک غربی وخاصتاًامریکا قرار دارندوکمک بی چون وچرای شان به سایر کشورها ومخصوصاً کشورهای غریب که بیشتر نیازه کمک دارند نمی رسد. شکایت بزرگ شان راجع به نقش دالرامریکایی بحیث پول ریزرو بین المللی یا(ارز ذخیره) میباشد که به امریکا امتیازات فوق العاده را ارزانی نموده وامریکا راقادر ساخته است تا حسب دلخواه خودبه هرپیمانه ایکه لازم داند کسربودجه ایجاد کند وهم به سهولت وبه مصرف کم ازسایرممالک استقراض نماید. این امتیازبه امریکا را اساساًصندوق وجهی بین المللی باعث گردیده که برکس خاصتاً درمقابل همین دستگاه وازهمین درک دندان خایی دارد.

صندوق وجهی بین المللی درسال ۱۹۴۴ در برتن وود ایالت نیوهمشیرامریکا درکنفرانسی متشکل از ۷۰۰ نماینده از ۴۴ کشور ایجادگردید ونظام پولی رایک باردگر به طلا مرتبط ساخت. منظوراساسی این صندوق استقرارنظم پولی بین المللی وجلوگیری از نوسانات فاحش ومتواتر ارز ممالک، کمک مالی به کشورهای که دچارمشکلات دریانلس تادیات خودمی باشند، وهم اعطای مشورهٔ علمی به کشورها به منظوربهترساختن وضع اقتصادشان، میباشد. درین کنفرانس قیمت طلا به سی وپنج دالر فی اونس تثبیت شد ودالرامریکابحیث پول ریزرو قبول گردید وسایرازها به دالر پیوند گردیده وبه دالر قابل معاوضه شدند وبانکهای مرکزی صلاحیت حاصل کردند که دالرهای جمع شدهٔ شانرا عندالموقع به امریکا تحویل داده ودرعوض طلا بدست آورند.

ایجاد صندوق بین المللی درواقع معلول سه واقعهٔ بزرگ قرن بیستم میباشد که آنهاعبارت اندازجنگ عمومی اول، رکود بزرگ، وجنگ عمومی دوم. قبل از جنگ عمومی اول تعدادی از کشور وقیمتهای مواد خورا که صعود کرد و بیکاری زیاد شد واما درامریکا وضع اقتصادبهتربود، چنانچه مازاد دربودجهٔ دولت توسعه یافت وقیمت اسهام شرکتها بلندرفت، مقادیر سرمایه گذاران زیادشد واما وضع سکتور زراعت روبه خرابی گذاشت زیرانرخ های محصولات زراعتی نزول کرد و بر خلاف قیمت زمین بلند رفت و دهاقین را در خرید اراضی زراعتی سردچار مشکلات زیاد گردانید.

درسال ۲۰۰۹ اقتصادامریکا مواجه به بحران شد. بعدازختم جنگ به نسبت توسعهٔ عرضهٔ پول درامریکا انفلاسیون پدیدگردید وقیمت های سهام شرکتهاصعود کرد وبانک مرکزی امریکا احساس نمود که صعودقیم سهام درائر احتکار صورت گرفته ونه بلند رفتن مؤلدیت، بنابرآن فیدرل ریزرو فیصدی تکت پولی رابلند برد تا فروش سهام را کاهش دهد و مقدار پس انداز ها رادر بانک هاوسعت بخشد.

این سیاست پلی انقباضی امریکابه سایرکشورها انتشاریافت که نتیجهٔ ناخواستهٔ آن رکود بزرگ(۱۹۲۹–۱۹۳۳) بود. درامریکا سطح بیکاری به ۲۵٪ ارتقا کرد وتولید ناخالص داخلی ۳۳٪ کاهش یافت وبازارسهام کاملاً ازهم فروپاشیدوتجارت بین المللی به نقطهٔ پایان خود رسیدوبانکهابه شکست خارق العاده مواجه شدند. گرچه رکود بزرگ درحوالی ۱۹۳۶ ظاهراً به پایان رسید وامادرواقع اثرات ناگوارآن تاجنگ عمومی دوم دوام داشت.

آغازجنگ عمومی دوم کشورهارا مجبورساخت تاتادیات بین المللی وذخایر اسعاری شانرا دقیقاً زیرکنترول داشته باشند وصندوق بین المللی قیمت اسعار اعضا رابه دقت تفتیش میکردوبه کشورهایی که مواجه به کسریلانس تادیات بودند قرضه اعطا مینمود. از اثرات فوق العادهٔ جنگ عمومی دوم این بود که کنترول اقتصاد دنیارا تقریباً کاملاً بدست امریکا سپرد واجراات پولی آی ام اف به دالرامریکا صورت پذیرشد ونه به کدام پول ساخته وبافتهٔ خود آی ام اف. علاوهتا امریکا قادرشد تامقدار دالرش رابهرا اندازهٔ که خواسته باشد تزئید بخشد وبه یک مصرف فوق العاده نازل اشاعه کند، چنانچه استقراض دولتی درطرف دهسال یعنی بین سالهای ۲۰۱۴تا۲۰۲۴ درحدودیکصد وسه فیصد افزایش یافت که درعین حال مصرف نشریک پارچه نوت صددلری صرف هشت اعشاریه شش سنت بوده است، حالانکه

شمارهٔ ۱۱۲۸

سایر کشورهامجبورند تا به مبلغ یکصد دالرامتعه ویاحدمات شان را صادر کنندتا بتوانند یک نوت صد دالری بدست آورند. علاوهتا یک امتیاز دیگری که به دالرداده شده اینست تجارپترول (پترو دالر) وطلا بین کشورهاباید صرف به دالرصورت گیرد. بایداضافه کرد که دالرهیچ پشتوانهٔ طلا یانقره ندارد وصرف به اعتباردولت امریکا می چلد .

برکس درصددآن برآمد تا اتکای کشورهارا بردالر امریکاضعیف سازدواگر بتواند کاملاً آنرا ازبین ببرد وحتی اگر سerry ازخودنشر نماید باید قسماویا کلاً ازپشتوانهٔ طلا برخوردار باشد. ازسال ۲۰۲۳ به اینطرف سامان به پیشروی های سریع نایل شد. فعلاً تعداد اعضابه ده کشور وتعداد پارتnerها به نه کشور میرسد که بطورجمعی ۵۱٪ نفوس دنیارادربر دارند ومسئول بیشت از ۴۰٪ تولید جهانی میباشد.

فهرست مکمل اعضای شامل برازیل، روسیه، هند،چین، افریقای جنوبی، ایران، مصر، یوتویپا، امارات متحدهٔ عرب واندونیزیا بوده و لست شرکا شامل بلاروس، بولیویا، قزاقستان، تایلند، کیوبا، یوگندا، ملایا، ازبکستان وعربستان سعودی میباشد. اخیراً۲۲کشوردیگرعلاقمندی شانرا برای شمولیت به برکس نشان داده اند که عبارت اند ازآذربایجان، بحرین، بنگله دش، برکینافرو، کمبودیا، چاد، کولمبیا، جمهوریت کانگو، گوینااستوایی، هاندوراس، لاؤس، کویت، مراکش، نیکاراگوا، پاکستان، سنگال، سودان جنوبی، سریلانکا، سوریه، وینزویلا و زمبابوی .

یکی ازپالیسی های اپولی برکس بکاربردن اسعار یکدیگر درمعاملات تجارتی بوده که میزان استفاده ازدالرامریکا رادرمعاملات بین المللی وبالاخص به صفت ارز ذخیره کاهش بخشیده است. چنانچه درسال ۲۰۰۰ ریزرو اسعاری ۷۱٪ بودودرسال ۲۰۲۱آن فیصدی به شصت تقلیل یافت. معاملات تجارتی بین اعضا ومشترکین برکس به اسعار خودشان ازیکطرف مصرف اسعاری معاملات را کم می سازدواقتصادی تمام میشود وازطرف دیگر اتکای آن ممالک بالای ممالک غربی ضعیف میسازد.

دولت امریکا مخصوصاً ازاستعمال تعزیرات اقتصادی بحیث حربه درمقابل بعض کشورها ازیک دست آزاد کار میگیردویس اندازهای شان درامریکا رابه خواهش خودمنجمد میسازد. چنانچه درسال ۱۹۷۹ مبلغ دوازده بلیون دالرایران ودرسال ۱۹۱۸ مبلغ بیش ازیکصد بلیون آن کشوررا قیدنمود ودرسال ۲۰۰۵مبلغ بیست وچهارملیون دالرکورای شمالی، درسال ۲۰۱۱ مبلغ ۱۶۸ بلیون دالر لیبیا، درسال ۲۰۱۲چهارده بلیون دالر سوریه، درسال۲۰۱۸مقدارسی ویک تن طلای وینزویلا و باز یک سال بعد تر مبلغ ۳۴۲ ملیون دالر آن کشور را و در سال ۲۰۲۱ مبلغ هفت بلیون دالربانک مرکزی افغانستان را و در سال ۲۰۲۲ سه صد بلیون دلرروسیه را منجمدساخت.

مخصوصاً بنابرهمین دلیل درواقع روبل روسی، اووان (رتمنبی) چینایی، روپیهٔ هندی و ریل برازیلی رفته رفته مورد استفادهٔ زیا ممالک دنیا قراریافت ولی هنوز قسمت بزرگ تجارت دنیال به دالر صورت میگیرد. درسال ۲۰۲۲صادرات هند ۸۶٪ به دالرصورت گرفت حالانکه صرف ۱۵٪ صادرات هندبه امریکابود. درسال ۲۰۲۳ تجارت چین ۴۸٪ به دالرامریکا عملی شد حالانکه تنها ۱۷٪ تجارتش باامریکاانجام یافت. همچنان یک قسمت معتنا به صادرات افریقای جنوبی به دالربفروش رسیدویک قسمت کم صادراتش به امریکافروش شد. علاوهتا تقریباً ماحصل تمام صادرات برازیل به دالربود، اما استفاده ازدالر در تجارت بین المللی رفته رفته کم شد.

صادرات چین به پول چینایی بین سال های ۲۰۱۶ و ۲۰۲۲از ۲۰٪ به ۵۰٪ بلندرفت. درهمین سال صادرات روسیه به پول چین ازصفر به ۱۶٪ تزئیدیافت. همچنان صادرات روسیه به جاپان، هند و کشورهای جنوب شرق آسیا به پول چین عملی شد. بعبارت دیگر تجارت بین بعض دولت به پول چین تحقق یافت، مثلاً بین کشور های همجوار برازیل عوض اینکه بااسعارملی خود کشور هاعملی شود، درعین حال بین ایران و روسیه هم یک اندازه تجارت به پولهای خودشان صورت گرفت.ازانکشافات چنین برمیآید که خریدوفروش امتعهٔ تجارتی بین کشورهابا پولهای خودشان روبه صعوداست وروزی خواهد رسید که سازمان برکس پول خاص خودرا اشاعه نماید که بالدر امریکا ویورو ازنگاه چلش بین المللی یک رقیب سرسخت شود.

ارز برکس ازچندجهت برای اعضا وشرکایش مفیدخواهد بود. اول اینکه از نوسانات اسعارمختلفه تا اندازهٔ زیاد جلوگیری خواهد نمود زیرا درغیر آن بعضاً کشورها نرخ اسعارشانرا وقتاً فوقتا کاهش میدهند تا دست بالا پیدا کنند وبه حجم صادرات شان بیفزایند که درنتیجه هریک شان این راه راتعقیب کرده ودرخاتمه همه به ضرر مواجه گردند. دوم اینکه فضای تجارت بین آنها را روشترخواهد گردانید.

مهدی فرقانی

مناجات

جوانی می‌رود از دستم و غافل ز سحانم

بهای این جوانی را خدا داند نمیدانم

همی دانم که عمری را به دورازاوبه کردم

هزاران بار پیمان بستم و بشکست پیمانم

چنان دربندگی سستم که یادش رفته از یادم

بلی من بنده ای آواره و نابرده فرمانم

شب وروزم دراین دنیای فانی صرف لذت شد

ندانستم که در دنیای باقی خانه ویرانم

هزاران بار دستم را گرفتند و رها کردم

رها کردم بلی آتش زدم بر جسم و بر جانم

زبس درموج سنگین گناهان غوطه ور گشتم

که اکنون غرق در دریای بی پایان عصیانم

دراین دریا مرا نبود بجز تو مونس و همدم

نجاتم ده خداوند! پشیمانم ... پشیمانم..

تو خودگفتی بیای بنده هراندازه بد کردی

نظر کن آدمم جانا به در گاه تو مهمانم

برویم باز کن در، مهربان،ای صاحب خانه

والا تا ابد در پشت درب خانه میمانم

مشو نومید فرقانی بگو العفو روز و شب

بگو ربی نمیرانی تو کس را خوب میدانم

ایرج میرزا

از دستار می ترسم

ز یاران آن قدر بد دیده‌ام کز یار می‌ترسم

به بیکاری چنان خو کرده‌ام کز کار می‌ترسم

شاپویی‌ها خطرنا کند و ترسیدن از آن واجب

ولی با این خطرناکی من از دستار می‌ترسم

نه از مار و نه از کژدم نه زین پیمان‌شکن مردم

از آن شاهشه بی‌دین خلق‌آزار می‌ترسم

نمی‌ترسم نه آَر مار و نه از شیطان نه از جادو

غم خود را به یک سو هشته از غمخوار می‌ترسم

چو بی‌اصرار کار از دست مردم برنی‌آید

چه کار آید ز دست من که از اصرار می‌ترسم

فراوان گفتنی‌ها هست و باید گفتنش اما

چه سازم دور دور دیگرست از دار می‌ترسم

سوم اینکه تجارت بین کشورها موثرتر خواهد ساخت.

چهارم اینکه مصارف مربوط به تبادلۀ اسعار بین دول راتقریباً کاملاً ازبین خواهد برداشت، ونبم اینکه مناسبات سیاسی بین آنهارا بیشتراستحکام خواهد بخشید. اما ایجاد یک پول مشترک توسط برکس کارآسان نخواهد بود، یک امر تقریباً ناممکن به نظر میرسد که درآیندهٔ نزدیک برکس قادر به ایجاد ارز خاص خودشده بتواند ویک رقیب موثر بحیث دارندهٔ پول ذخیرهٔ بین المللی درمقابل دالر یا یورو قدعلم کند.

اختلافات درنظامهای سیاسی اعضا وهم بعض علاقمندان برکس ازیکطرف و اختلافات درانواع پیدوار شان که قابلیت صدوربامنفعت را دارا باشند از طرف دیگر امر ایجادیک پول واحد رامشکل میسازد. ناگفته نماند که بعضی اعضای برکس همچوبرازیل و هند ملوث به فساداداری نیزهستند که موثریت وسرعت عمل رادرساحهٔ تصمیم گیری وعمل تجارت کاهش میدهدوباعث دلسردی معامله داران میگردد.

ازطرف دیگر کشورامریکا بالای اقتصادا اکثرممالک جهان تاثیرخارق العاده داشته وازنفوذ سرشار سیاسی ونظامی ودپلوماتیک و جاسوسی برخوردار میباشد که در بسیاری از کشورها یارای آن نیست که خلاف منافع امریکا دست بکار شوند.

دالرامریکا آنقدرمورد استفادهٔ کشورها قرار یافته که دربسیاری جاهاحتی پس اندازهای ملی به پول ملی شان مطلوبیت شانرا باخته اند. استقرارسیاسی امریکا باعث شده که مصونیت پس اندازهای تعدادزیاد کشورهارا درامریکا تضمین می نماید حالانکه درین ساحه بالای بانکهای بسا ممالک خوردو کلان اعتبار کافی و دوامدار باقی نمانده است.

اما باوجوداین عوامل، برکس درنظر دارد که به هژمونی یاتفوق امریکا دربکاربردن دالر بحیث ارزذخیره خاتمه دهد. اما نویسنده معتقد نیست که این سازمان قادرشود که درداخل ارکارهٔ ارزی حریف کارآزموده اش را لنگ کند !!!

«افغانستان در قرن ۲۰» موانع تاریخی در راه استقرار دولت قانون» مؤلف : داکتر محمد حیدر

جناب داکتر محمدحیدر خان ازدانشمندان بنام واز اساتید پیشین سرشناس دانشگاه کابل است. او ازمرهٔ فضلالیست که بحق میتوان صفت «روشنفکر»را در بارهٔ او بکار برد. اندوخته های او ازعلوم سیاسی وتجارب او ازتدریس در فاکولتۀ حقوق دانشگاه کابل وسپس دورهٔ ریاستش درآن یگانه کانون بزرگ علمی و تحصیلی کشور در کنار علاقهٔ بیکرانش به آموزش وتربیت با محتوای نسل جوان، در اثر سودمندی باعنوان فوق بازتاب روشنی دارد.



جناب داکتر استاد محمدحیدر بارکزایی

آنچه دل خوانندهٔ آگاه را بادیدارنخستین صفحه یعنی شناسهٔ کتاب می خراشد، تیراژ چنین اثرسودمندی به تعداد پنجصد نسخه است. همین بی علاقگی به کتاب و مطالعه است که مارا امروزمی توان حتی باآن ملل افریقا مقایسه کرد که از آشنایی شان با الفبا روزگار درازی نمی گذردوامروز صدمباربترازمافرزندان شرمسار بوعلی و ابوریحان، تمدن زمان را دریافته اند. باری دردهای ماییشتر ازین هاست، اما بانندکی تأمل میتوان دریافت که این درد دانش گریزی و کتاب ستیزی است که مادر همهٔ دردهاست .

کتاب (افغانستان در قرن بیست) حاصل سالهاتجارب علمی واجتماعی مؤلف است، تقریظ فضلالی چون آقای خالدصدیق جرخي واستادعنایت الله شهرانی وتذکارمختصر آقای نعیم مجددی حاوی معرفی خوبی ازین اثرسودمنداست. نکتهٔ حائز اهمیتی راکه درنخستین بخش کتاب، مولف روشن کرده، رد این ادعاست که افغانستان برائر مقاولات انگلیس وروس مبنی برتأسیس کشوری که میان آن دوقدرت جهانی حایل باشد، به وجودآمد. مؤلف وجوداین کشور را«محصول پایداری هاومقاومتهای ملی مردم ما درمقابل هجوم آوران شمال و جنوب درین دوقرن اخیر»می داندواین نکته باید ذهن نشین نگارندگانی گردد که بی تأمل برچنین طبعی می کوبند.

برعلاوه مدتها پیش ازآن که قدرتهای شمال وجنوب چشم به این سرزمین بدوزند، این کشوروجودداشت وآخرین سلطنت مقتدری که انگلیس درهنداز آن هراس داشت، ازآن شاه زمان بودکه متأسفانه بدست برادرناپکارش از نعمت بینایی محروم شد وکشورعرصهٔ ترکنازی های زیانمند مدعیان قدرت گردید ودوره یی ازفتور وانحطاط درشرایطی آغازشدکه ازیکسو انگلیس درهند، دیگران «کمپانی تجارتی»نبود وبه اژدهایی بدل شده بودو نیروی سیک هادرپنجاب نیزباظهور رهبربا کفایتی چون رنجیت سنگه ودست اندازی های همسایهٔ غربی، شرایط دشواری رابرای مردم افغانستان فراهم کرده بودند.

پس مقاولات دوقدرت شمال وجنوب کشور دولت تازه یی رابه وجودنیآورد تنهاسرحدات آنرا محدودوساخت وبه موجب موافقتنامهٔ انگلیس وقاجاری های همسایه، به تشویق قاجار، نام خراسان به افغانستان تبدیل شد.

فهرست عناوین کتاب به صورت مفصل تنظیم شده واین شیوه به پژوهندگان امکان میدهد تانکات موردنظر خود رابه آسانی درین کتاب بیابند.

استقراردولت قانون دغدغهٔ مهم نگارنده است. توجهی که مؤلف دانشمند به ظهورمشروطیت درزمان امیرحبیب الله خان وعنایت آن پادشاه به معارف و قانون، ونیز بی تجربگی مشروطه خواهان واشتباهات شان درین دوره و دوره های بعدحاوی درسی

است برای همه کسانی که به دموکراسی وجامعهٔ مدنی وحاکمیت قانون اعتقاد راسخ دارند وتندروی های مشروطه خواهان و دوستداران آزادی های مدنی وعدالت را درهردوره یی چه در زمان امیرشهید حبیب الله خان ودورهٔ صدارت سپهسالار شاه محمودخان ودههٔ دموکراسی بیان میدارد، تندروی هایی که پیکارهای حق طلبانه رابرای مدت های دراز به تعویق انداخت ونگذاشت که نهضت نوپای دموکراسی درین دوره هاجان بگیرد وملت به آگاهی های بیشترمدنی دست یابد.

مؤلف خدمات درخشان شاه امان الله رامی ستاید اما شتابزدگی وطرح های بی لزوم وخلاف عرف جامعهٔ او را مورد نقد قرارمی دهد. مؤلف گرامی از پیداد وستم واعمال جابرانهٔ امیر عبدالرحمن خان بانقل قول ازپدرش یادمیکند. روایت داکتر حیدرخان ازپدرش ودیگر رجالی که شاهدحوادث گذشته بودند ویاخود دروقوع آن رویدادها نقشی داشته اند، ازیکسو به غنامندی این اثر افزوده واز جانبی به موثوق گردانیدن روایت مدد میرساند، هرچند که العهده علی الروای .

به قول مولف بامرگ امیر(آهنین) وازبقدرت رسیدن امیرحبیب الله، مرحلهٔ عبور ازتاریکی به روشنایی آغازشد. اطلاعات علمی ومطالعات وسیع آن امیر که مایهٔ اعجاب هانری مک موهن شده بود، یادمیکند. (مرحوم صالح جان پروتا میگفت که امیرشهید(حبیب الله خان شرحی برشماری ازغزل های حافظ نگاشته بودکه نسخهٔ خطی آن درکتابخانهٔ سلطنتی درارگ قراردادش و گویادر جریان کودتاها مثل سایرآثاربسرقت رفته است.)

به قول مؤلف (درین وقت است که اساس یک دولت مدرن به مفهوم اداری وسیاسی آن درزمان این پادشاه پایه گذاری شد.) مؤلف ازروش تند مشروطه خواهان دربرابر امیر یادمیکند وآنرا سبب نابودی مشروطه می داند.

مؤلف باقدردانی ازخدمات محمودطرزی درعرصهٔ تجدد خواهی ویشرفت و ترقی ویداری مردم یادمی کندومعتقداست که وی(یک فرهنگ جدید سیاسی) میان مردم پدیدآورد. سراج الاخبار او نه تنهادرافغانستان بلکه درهند نیز بربیداری مردم واحساسات ضدانگلیسی سبب تشویش مقامات مذکورشده بود، درحدی که ویسرای هند کتباً به امیرازسراج الاخبارشکایت کرده وخواهش کرده بودکه این روزنامه که «نارامی زیادی دراذهان مردم ناآگاه تولید میکند، توقیف شود. »

ازنکات جالب این کتاب دربارهٔ کشور«شوراها «این است که تشکیل شوروی، اقتصاد وتجارت افغانستان راکه تاپیش ازآن از ارتباط بازرگانی با آسیای مرکزی تا حدودزیاد برخورداربود، باافتادن آن سرزمین پهناور به دست اتحادشوروی وگسیختن آن پیوندها به شدت صدمه زد.

مؤلف معتقداست که هنگام خروج انگلیس ازهند وتقسیم نیم قاره به دویخش هند وپاکستان، افغانستان می توانست «سرزمین های ازدست رفتهٔ»خودرا دو باره بدست بیاورد وازین طریق به دریا راه ییابد، وحکومتهای وقت رابه خاطر این غفلت سرزنش می کند. ولی آیا افغانستان درموقفی بودکه بتواند ارادهٔ خود را دریرون ازمرزهایش برانگلیس تحمیل کند ودیگراینکه «سرزمینهای ازدست رفته»تابندر گوادر مناطق مفتوحه بدست فاتحان ما درمرحلهٔ خاصی بود که پنجاب هم شامل آن می شد. آیابلوچستان که درهمان اوقات حاکمان آن روابط مستقیم بانگلیس داشتند حاضربودند که بخشی ازافغانستانی که مرز های آن مشخص شده بود گردد.

مؤلف دربخش اعلان استقلال ونبرداستقلال وتشکیل دولت افغانستان مستقل، از هیاهو وهنگامه یی که تاثیرآن درقلمرو هند وآسیای مرکزی ایجادکرده بود یاد میکند ومعتقد است افغانستان باسیاست تندخود دربرابرانگلیس و تحریک آزادیخواهی درآسیای مرکزی، دوینروی بزرگ استعماری راباخود دشمن ساخت وایکاش مثل سایرکشورهایی که بعدهابه استقلال رسیدند، از ارتباط باآنان به رفع عقب ماندگی های کشورومردمش می کوشید. مؤلف کردار واعمال نیک زمامداران افغانستان رامی ستاید اما ازخطاهاو کارهای ناصواب آنان نیز نمی گذرد.

اینکه چگونه طرح های سودمند رشد وترقی درکشور سبب رنجش وتخریب کاری قدرتهای استعماری میشود، روایت داکترحیدرخان حاوی مثالی است. می گوید که شاه امان الله دریاریس دربارهٔ احداث راه آهنی که ازسپین بولدک آغازمی شدوتاهرات وکابل میرسید، حساسیت انگلیس هارا با بیم این که خط آهن بسوی هرات راه رابرای دخالت روسها درهند هموار میکند، برانگیخت ودرسرنگونی سلطنت شاه امان الله جدی ترشدند ودسایس شان راسرعت پخشیدند.

سفرشاه امان الله رابه اروپا واستقبال کم نظیر ازو راتوضیح میدارد تاحدی که درایستگاه خط آهن روم، موسولینی وملکهٔ ایتالیا ازشاه وملکهٔ افغانستان استقبال کردند ودرایتالیا نشان معتبری را که انگشت شمارپادشاهان اروپا دریافته بودند، به شاه امان الله تقدیم کردند.

مؤلف ازاحساسات ضدانگلیسی شاه یاد میکند که چگونه درمسافرتش به مصر درهرخطابه مردم مصر رابه استقلال طلبی میخواند. درکشوری که«خدوبومصر «خود ازایادی استوار انگلیس بود.

مؤلف شاه امان الله را بنیانگذار افغانستان نوین می نامدکه عنوانی است بحق زببندهٔ آن خسرو جوان. استقبال ازپادشاه افغانستان درهمهٔ اروپا بسیارمجلل و ناشی ازاهمیتی بود که شاه درپیکاربا استعمار به وجودآورده بود.

خلاصهٔ سخن حیدرخان دربارهٔ شاه امان الله این است که: تعمیم معارف، حصول استقلال ملی، تزریق نظریات آزادیخواهی، خلق نمودن ذهنیت دموکراسی باایجاد مجالس مشورتی واعلان قانون اساسی جهت دموکراتیک ساختن رژیم، انتخابات آزاد، مجادله درراه شناخت حقوق طبیعی طبقهٔ اناث بار اول درتاریخ شرق اسلامی وبه میان آوردن موسسهٔ مهم سیاسی واداری که کابینهٔ وزرا نامیده میشود ودراخیر تأسیس شورای ملی، ازمیراث های فناپذیر آن رادرمرد بزرگ برای نسل های بعدی افغانستان بوده است که انشاءالله برای ابد جاودان باقی خواهدماند. «

درکناراینهمه ستایش که شاه امان الله واقعأسزاوارآنست، مؤلف از شتابزدگی پادشاه دراصلاحات ونوآوری هایش واقدامات روبنایی وبی لزوم او سبب ایجادفاصله بین او وملت شد. بوجودآمدن فساد دردستگاه حکومت وبی ثمربودن وحتىی مضربودن بعضی ازطرح هایش چون ترویج لباس اروپایی ودیگراعمال خلاف عرف جامعهٔ سنتی افغانستان اوراکه ازمحبوبیت خاص بین مردم برخوردار بود به طورروزافزونی ازمردم دورساخت. درهمین احوال انگلیسها نیزطرح دسیسه های بزرگی رابرای سقوط او رویدست داشتند. مؤلف کاستی های آن دوره راکه منجربه سرنگونی آن نهضت بزرگ ملی شد نیز تذکارمیدهد. حیرت آور است که سربازان وافسران نظامی چنان گرفتارشورشهای مشرقی وجنوبی بودند که هنگام شورش شمالی، صرف هشتادنفر سربازدرپایتخت وجودداشت.

مؤلف مینگاردکه شورشهای قبایلی ابتدا ازشرق کشورآغازشد که برخی تحلیل گران آنرایک نوع خدعهٔ غافل ساختن دولت افغانستان ازحملهٔ اصلی وبعدی که قیام شمالی به سرکردگی حبیب الله کلکانی بود می شمارند. شاه امان الله پس ازآن که توسط مردم سلیمانخیل به تحریک فضل عمرمجددی مشهوربه حضرت شوربازار موردحمله قرارگرفت، احساس کرد که مردم افغانستان دیگر او رانمی خواهند و مصمم به ترک افغانستان شدوطریق چمن راهی هندوستان گردید.

نویسنده معتقداست که درمذاکرات صلح با انگلیس باید الغای همه قراردادهای گذشته مطرح میشد که درآن راه آزاد به بحر وحصول خاکهای ازدست رفته شامل می بود بود.

باتوجه به مراجعات پیهم امیرحبیب الله خان وتقاضاهای نهایت ساده تر اوبا وباجودی که درجریان جنگ دوم جهانی انگلیس هاوعده های زیاده پادشاه افغانستان داده بودند، پس ازجنگ به هیچ یک ازوعده هاوفا نکردند وبه تقاضاهای پیهم وی پاسخ مثبت ندادند، پس چگونه ممکن بود که بیشتراز نصف خاک کنونی پاکستان، مخصوصاً تمام اراضی بلوچ رابه افغانستان میدادند تاافغانستان راه به بحر پیدا کند.

داوری مؤلف دربارهٔ رجال آن زمان روی شواهدخاص، فارغ از حُبّ وبُغض صورت می گیرد. تدبیرسپهسالارشاه محمودوخان درنجات شاگردان مکاتب، حینی که نزدیک بودقتل عام شوند، همینطور اقدام به نجات دادن خانوادهٔ شاه آغاسی ازاعدام در جلال آباد وسایرموارد مشابه را میستایند. دربارهٔ نادرشاه ازپدرش نقل میکند که اگر نادرشاه زنده میماند، هیچیک ازهمکاران شاه امان الله رازنده نمیگذاشت.

مؤلف ازپدرش نقل میکند که دربارهٔ نادرشاه نظریات ضد وتقیض داشت. «از یکطرف اورا یک انسان فوق العاده مصمم ونهایت باحوصله، بسیارمدرب اما در عین حال سفاک و محیل میدانست. «ونتیجه گیری میکند که «نادرشاه آنچه به دولت سازی واستقرار امنیت درکشورتعلق میگرفت، یک زمامدار موفق بود ودرسیاست داخلی وخارجی واقعیت هارا درنظرمی گرفت. «باوجود بی میلی مردم اطراف به معارف، امایکی ازاولین اقدامات نادرشاه افتتاح مجدد معارف کشوربود. «تحلیل نهایی ونتیجه گیری اودربارهٔ نادرشاه این است که: «اینکه گفته شده است که نادرشاه آلهٔ دست انگلیس هابود، درست نخواهد بود ودرعین زمان اینهم درست است که نادرشاه به کمک انگلیسهاخت و تاج را صاحب شد. «ضمن همین داوری نادرشاه را ممثل«شهریار«ماکیاولی درزمان آشوب وبی امنیتی می داند. مؤلف دورهٔ صدارت سردارمحمدهاشم خان راللزحاظ پایه گذاری یک اقتصاد نوپا وانکشاف سیستم سرمایه داری به شیوهٔ نوین وتغییر وضع بانکی وتجارتی افغانستان وازحالت قرون وسطایی کشیدن کشور به شیوهٔ عصری حائز اهمیت می شمارد.

خواجه محمدنعمین صدیق

وودبریج، ورجینیا

مشایخ لوگر

خواجه محمداسماعیل شَنِیزِی (رح) یا حکیم لایخور حکم ابوالمجد محدودسنایی غزنوی ازمداحان سلاطین غزنه بود. روزی درمدح سلطان ابواسحاق ابراهیم غزنوی قصیده ای انشاد فرمود، خواست به حمام برود وصفایی کند وبه دربار رفته قصیدهٔ خودرا بحضورسلطان بخواند. چون به گلخن حمام نزدیک شد آوازی به گوشش رسید خودرا به آواززدیک کرد، دید گلخنی حمام وحکیم لایخور که مجذوب آواره ای بود نشسته وسویی که درآن دُرْد و لای شراب بود درظرف سفالین دربرابرهم نهاده ، درآن حال حکیم لایخور به گلخنی که ساقی او بود گفت:

قدحی بیار به کوری چشم ابراهیمک
سلطان غزنوی که هنوز کاراسلام و مسلمانان رانساخته وبه نظام نیاورده ومیخواهدبه هند برود تامهم کفارسازد. بعدازآن قدح دیگرخواست وگفت بیاربه کوری چشم سنایی گک شاعرکه نداند خدا اورابرای چه آفریده؟ واو پیوسته روزگارخودرا به ستایشگری صرف کرده به خوشی دیگران میگذراند، گرافی چندروزی کاغذنوشته که به هیچ کاری نمی آید. اگر درآن سرای از او پرسندکه برای این روز چه اندوخته ای؟ وباخودچه آورده ای که درگاه مزد یگانه را سزد، قصیده ومدح شاهان راعرضه خواهد داشت. (تذکرهٔ دولتشاهی سمرقندی ص۹۵–۹۶)

این سخن به سنایی تنبیهی بودوبه جان سنایی موثرافتاد وبیدرنگ آن عزیمت را ازسر نهاد وبخانه بازگشت وازخواب غفلت بیدارشد ودر رابروی خلق بست وزغلت اختیارکرد وراه فقر وشویهٔ سلوک پیش گرفت، قسمی ازغزنین به خراسان شد ودست ارادت دردامن شیخ المشایخ ابویعقوب یوسف همدانی زد و مرید او شد.

دیگروگونی بی نظیری دروجودسنمایی که از اثرسخن حکیم لایخور بوجود آمده بود وارادت سنایی به شیخ یوسف همدانی اورابه مرتبهٔ بلند رسانید و سنایی گک را حضرت سلطان العارفین سنایی غزنوی ساخت تاجایی که حضرت مولانای بزرگ جلال الدین محمدبلخی در رئای اوچنین گفت :

گفت کسی خواجه سنایی بمرد
مردن آن خواجه نه کاریست
خرد
گاه نبود او که به بادی رود
آب نبود او که ز سرما فسرد
گنج زری بود دراین خاکدان
کاو دوجهان رابه جوی می شمرد

این حکیم لایخور همانا خواجه محمداسماعیل شینزی است که دردرة سبز منطقهٔ قلعهٔ امیرتنگی وردک (حدافاصل ولسوالی برکی برک لوگر وولسوالی سیدآباد ولایت میدان وردک) مزارمبارک شان جانبخش روان مخلصین و راهروان تصوف وعرفان اسلاميست. مؤیداین قول(کتاب احوال وآثارسنایی) تالیف شادروان استادخلیل الله خلیلی است که درسال ۱۳۵۴ش درمطبعهٔ دولتی کابل به طبع رسیده. درلوحهٔ سنگ مرقدمبارک شان نوشته است:(هذا مرقد منور قطب المحققین، زبدهٔ السالکین والعارفین خواجه اسماعیل شینزی)

علم وعمل خواجه اسمعیل شینزی
ماراز نه چیزی برسانیدبه چیزی

دولس ولیان رحمہ اللہ علیہم

درساحات غربی ولسوالی برکی برک مزاری که آهن پوش دارد وبنام گل محمدسخ مسمی است و دراین اواخر توسط یکتن از اخلاصمندان او(ملانور محمد) مجدداً اعمارگردیده اخذموقیعت نموده است.

حاجی ملاعبدالودود پدرملامحمدنور که یک شخص بزرگوار روحانی وعالم جید بود حکایت مینمود که: اصلاً دراین محل دوازده تن ازاولیای زمان که کرامات شان اظهرمن الشمس بود دراین محل مدفون هستند که تمیناً نام چند تن آنهارا دراینجا تذکرمی دهیم:
۱- گل محمدسرخ
۲- ابراهیم خیل
۳- ملا محمدعظیم...

متاسفانه دراثرغارت وچپاولگری قشون سرخ شوروی ودستیارانش همه داشتهٔ فرهنگی ما ازبین رفته، ورنه درمورد هرکدام شان معلومات مفصلی بازکر خدمات و کمالات خدمت شماعزیزان عرضه مینمودیم .

مزارمبارک او دربین درختان انبوهی موقعیت دارد، کسی نمی تواندغرض استفادهٔ شخص خود شاخهٔ درخت او را قطع کند، صرف در لنگرخانهٔ زیارت از شاخ ودرخت آن استفاده می توانند.

خواجه روشن نگهبان (رح)

درمنطقهٔ تگاب تنگی وردک کنارجوی آب قبرستان بزرگی موجوداست. در زمان زمامداری سردارمحمدداودخان شخصی بنام عبدالمالک فرزند مرحوم عبدالغیاث خان دور قبری راکه به خواجه روشن نگهبان مشهوراست وبدون پوشش طورپخته کاری احاطه شده ومسجد صغیری درکنار آن موجوداست.
یکی ازبرادران عبدالمالک موصوف حکایت مینماید که درزمان سلطنت ظاهر شاه درکنار درختی که قریب مزارخواجه روشن نگهبان است نشسته بودم و شخص ژنده پوشی که به گل ملنگ مشهوراست (ومن اورا دروقتی که زندانی بودم درمحبس دیده بودم قسمی که یکی ازوطن دارانم را که بامن محبوس بود زندانبان ظالمانه لت وکوب میکرد. همین ملنگ پیداشد وبه زندانبان گفت: بالای زندانبان ظلم مکن، یک هفته بعدرهامیشوند، وخودش غایب شد. یکهفته بعد من وهمان وطندارم ازحس رهاشدیم.) پدیدارشد، (دنباله درصفحهٔ ۸)

صوفیان وارسته یا مجددیان مبارز

نگاشتهٔ سیدمحمدنادر خرم، چاپ دوم، انتشارات شاه محمدرئیس سیدمحمدنادر خرم درسال های جهاد ازقلم بدستان سرشناس بود. آقای خرم از سادات منطقهٔ زیبای اندراب مردی باذوق عالی ادبی و روح صوفیانه بود.نوشته هایی ازو درجریدهٔ «اتحاد مجاهدین » و «یادنامهٔ شهیدان «و مجلهٔ »جهاد «که ازطرف کمیتهٔ فرهنگ ومطبوعات اتحاداسلامی مجاهدین افغانستان تاسیس شده بود، به طبع رسیده است.

کتاب «صوفیان وارسته «حاصل زحمات طولانی مطالعهٔ او درطریقت نقشبندیه وشاخهٔ مشهورآن در شبه قارهٔ هندوستان یعنی طریقت مجددیه است که با ظهورعالم وعارف دلیر شیخ احمد سرهندی تاسیس شد. او رابه سبب آن که درسرآغاز هزارهٔ دوم عصراسلامی دراحیای اسلام اسیل و زدودن خرافات ازآن کوشیده بود، مجدد الف ثانی (نو کنندهٔ هزارهٔ دوم) لقب دادند وپس ازو اخلافش که توانستند تاعصرحاضر طریقت او را دنبال گیرند، بابت انتساب به وی مجددی نامیده شدند. معروف است که نسب شیخ احمد سرهندی به خلیفهٔ دوم مسلمانان حضرت عمر فاروق (رض) می رسد وبه همین دلیل شیخ احمد را فاروقی هم گفته اند. ازشیخ احمد مجددالف ثانی آثار متعددی بجاماندکه ازمیان آن ها«مکتوبات «وی ازجهت تحلیل های عارفانه و تشریعی و سبک نگارش پسندیده ازشهرت بسیار برخورداراست. اجداد این خانواده درخراسان می زیستند. نخستین جد ایشان شهاب الدین علی مشهور به فرخ شاه بود که در زمان سلطنت غزنوی به حکومت کابل گماشته شد. او درجنگ های مسلمین وانتقال اسلام به هند سهم گرفت وپس از برگشت به خراسان تا هنگام وفات در منطقهٔ نجراب زندگی کرد وهمان جا مدفون شد، وآن دره به نام درهٔ فرخ شاه ولی مشهور است.

از بزرگان این خانواده که نفوذ بسیاری درهندوستان داشت، یکی خواجه محمدمعصوم ملقب به عروه الوثقی بود که خواهر اورنگزیب پادشاه هند قبهٔ مجللی برنای آرامگاهش فرستاد. اورنگزیب خودش نیز ارادتمند او بود و گویند درتاریخ وفات آن خواجه گفته است :

قیوم جهان خلیفه الله
دانندهٔ راز های مکتوم ...

تاریخ وفات اوخردگفت
رفته زجهان امام معصوم

قیوم زمان و تاج اولیا لقب غلام محمد (خواجه معصوم ثانی) بود که گویند احمدشاه درانی در اواخر عمر او عزم سفرهندوستان کرد واز آن شیخ بزرگوار اجازه طلبید. شیخ در پاسخ از فاتح افغان (شاهنشاه خراسان) گفت که ازعمر من یک سال مانده و ازو خواست که سفرش رایک سال به عقب بیندازد که نمی خواست سرنگونی سلطنت دهلی را ببیند .

کتاب «صوفیان وارسته «اثر سودمندی است درمعرفی خانوادهٔ بزرگ و سرشناسی که روزگار درازی کانون زهد وپارسایی وطریقت بوده اند وچراغ شریعت وطریقت را روشن نگه داشته اند.

اقامت این خانواده درشهر سرهند از زمان ورود امام رفیع الدین از اجداد این خاندان به آن خطه صورت می گیرد وآن زمانی بود که سیدجلال یخاری و رفیع الدین داماد او باتوجه خاص سلطان فیروزشاه به بنای این شهرپرداخت و پادشاه عواید ومالیات آن رانیز به رفیع الدین بخشید تاصرف امورخیریه نماید و سرهند ازهمان زمان تا ادوار متأخر نسل اندرسن مولد واقامتگاه دودمان مجددیه گردید. درهمین شهر جناب مخدوم عبدالاحد پدر شیخ احمدالف ثانی وبسیاری از اخلاف او زیستند.

مشایخ بزرگ این خانواده در تذکیر وارشاد مسلمین درشبه قاره کوشیدند و طریقت نقشبندی رادرآن خطه گسترش بخشیدند. طریقت نقشبندی که موسس آن خواجه بهاءالدین نقشبند بود (۶۱۸- ۷۹۱) در یخارا وبلخ ودیگر شهرهای ماوراءالنهر وخراسان پیروان بسیاریافت و باورود مشایخ آن به شبه قاره ازشهرت ومحبویت فراوان در آن دیار برخوردارگشت.

مؤلف کتاب فصلی درباب تصوف ومکاتب آن نگاشته اصول هریک را مورد تشریح قرار می دهد. بخش دیگر کتاب اختصاص به زندگی و کارنامه و پیکار های مرحوم حضرت صبغت الله مجددی فرزند محمدمعصوم مجددی مشهور به میاجان دارد. پدر کلان حضرت صبغت الله شمس المشایخ مجددی ازیاران شاه امان الله غازی و ازفعالان موثر جنگ استقلال بود. شمس المشایخ و خانوادهٔ او به حضرات شوربازار کابل مشهوربودند .

اقامت دایمی حضرات شوربازار درشهرکابل با ورود حضرت صفی الله به کابل آغازشد.

خانقاه ومسجد قلعهٔ جواد بازمانده ازشهیدمظلوم شیخ محمد ابراهیم ضیاءالمشایخ (رح)مشهوربه (شیرپاجاجان) از احفاد نورالمشایخ، تاکنون به همت بازماندگانش کانون فعال طریقت نقشبندیهٔ مجددیه است. وفقهم الله

بنیاد نشراتی شاه محمد رئیس را شادباش بایدگفت که به نشر وپخش آثار سودمند همت گماشته است./

هما نوری

نیویارک

نوروز و عید به شما مبارک باشد

عزیزانم محترم محمد قوی جان کوشان صاحب ومحترمه داکترثمیله جان کوشان صاحبه به پناه و عصمت الهی باشید، خواستم یکباردیگر باتمدید اشتراکم دراین هفته نامه محبوب، ودر این ماه مبارک رمضان ، که ماه قبولی طاعات و عبادات می باشد چند سطر بنویسم و وسیلتا عید سعید فطر و سال جدید هجری شمسی و نوروز باستان و سالگرد جریده وزین امید را که اضافه از سه دهه می شود برای اطلاع رسانی اهل خوانش و دانش در خدمت صادقانه قرار دارد ، هر چند روز تا روز با پیشروی سن و سال و ضعف چشمان قدرت مطالعه به اندازه سال های اول امید برای نسل من ممکن نمانده باشد ولی هر باری که امید می رسد تا حال هیچ جای آنرا نخوانده نگذاشته ام ، درپشت پاکت ارسالی شمابه آدرس. ما حاوی این نشریه شریفه همواره اسم بزرگمرد شوهرم گرامی و جنت مکان و زنده یادم مرحوم مغفور قومندان پاسوال الحاج نورالدین خان نوری درج است ، به یاد گذشته ها می افتم ، که چه شخصیت های گرامی و عالیقدر اخبار خوان و اخبارنویس داشتیم که شوهرگرانمایه ام روانشاد نوری بزرگ هم در جمله نویسندگان گرامی این جریده وزین و مطبوعات کشور بودند و این خدمتگار سابقه دارمعارف کشور هم اقلا این سال، ودیگرسال یک تبریکی نوشته نموده است ولی خوشحالم که پسر ارشدم مشتاق احمد کریم نوری ژورنالیست پر قدامت و مطبوعاتی سابقه دار کشور که خداوندج او شان و همه نویسندگان گرامی امید و مطبوعات وطن ما را سلامت داشته باشد، نوشته های شان بازتاب می یابد، عزیزانم کوشان صاحبان کران ارج من به حیث یک مربی سابقه دار معارف وطن عزیزم برایتان آفرین و شادباش می گویم که امید را تا به حال با وجودمشاکل زیاد به علاقمندااش می رسانید و این کاری کسی نیست و واقعا همت و لیاقت و شجاعت می خواهد، که در کنار تان رول و نقش همسر گرامی تان داکتر ثمیله جان هم قابل یادآوری و قدردانی همیشگی می باشد ، تصادف که امروز هم و همین اکنون که این یادداشت و نامه را می نویسم هم روز هشتم مارچ است که روز جهانی زنان است که با استفاده ازنگارش این نامه کوتاه این مناسبت را هم به محترمه خانم کوشان واهل بیت زنده یادغلام حضرت کوشان ، همه زنان شریف که درطول تقریباسی وپنج سال درامید می نویسند و از زمان نهضت زنان در مطبوعات کشور نوشتند و تا به حال برای شگوفایی کشور و پیشرفت و وحدت مردم شان و خیر جهانی می نویسند و صحبت می نمایند دعای من همیشه شامل حال شما یان و همه خدا پرستان و وطن دوستان و حق گو یان و بشر پروران و اهل علم و دانش بوده و است از در گاه ایزد منان برای وافرالتجا می نمایم . به روح و روان پاک رفتگان دعا و درود می فرستیم ، روان پاک جنت مکان محمد عصیم جان کوشان و همه همکاران و خادمین دلسوز.
میهن وهم میهن پرازانوارالهی باشد.
با احترام، هما نوری، معلمه رتبه اول (معارف) وزارت تعلیم و تربیه افغانستان ، مادر مشتاق احمد کریم نوری

واقف لاهوری

حکیم نورالعین بٔتالوی معروف به واقف لاهوری (درگذشت۱۹۰۱ق./۱۷۷۶م) از شاعران پارسی‌گوی در سبک هندی بود.

وی از شعرای قرن دوازدهم است و در شهر بٔتاله ایالت پنجاب هند زندگی می‌کرد. پدرش را قاضی امانت‌الله نوشته‌اند. ابتدا تحصیل علوم کرد سپس به شاعری پرداخت بین او و شاه عبدالحکیم حاکم وحدت نظر حاصل شد و به اتفاق یکدیگر به عزم سیاحت دکن از پنجاب خارج شدند و به اورنگ آباد رسیدند. پس از چند روز به بندر سورت رفتند، حاکم از آنجا رهسپار مکه و مدینه شد ولی واقف بر اثر ضعف مزاج به سفر نرفت ولی پس از بازگشت حاکم دوباره به اورنگ آباد رسیدند و از آنجا به سمت هندوستان رفتند. واقف پس از سیرو سفر به سال ۱۱۹۵ هـ .ق. درگذشت.[۱]

سرو گریزپا را من خوب می‌شناسم
آن یار بیوفا را من خوب می‌شناسم

از دست برده دل را پامال می‌نمایند
خوبان دل‌ریا را من خوب می‌شناسم

بر شیشه جانی کس رحمی نمی‌نماید
سنگین دلان شما را من خوب می‌شناسم

رفتم پی گدایی دی بر درش، چو بشنید
گفتا که این گدا را من خوب می‌شناسم

نرگس به چشم مستت دعوی همسری کرد
این کور بی‌حیا را من خوب می‌شناسم

دارند با جوانان واقف سری نهفته
پیران پارسا را من خوب می‌شناسم

افغانستان در قرن بیست ...

به نظر مؤلف برعکس زمان امیرشهبودشاه امان الله، درین دوره سیاست برتری خواهانه بی درین چیزفهمان قیایل پشتون نوعی فرهنگ سیاسی خلق کرد که امروزبدست کسانی وسیلهٔ تفرقهٔ ملی شد ووحدت ملی رامورد تهدید قرارداده است.

نویسنده پالیسی وسیاست حکومتی که سردارمحمدنعیم خان وزیرآن بود وپشتو رایگانه زبان ملی قرارداد و زبان دری راکه زبان ملی مملکت بود از مکاتب وورسمیات حذف کرد، جنایتکارانه میخواندومعتقد است که اثرات زیانبارش انحطاط فرهنگی وناتوانی فکری چندنسل وسبب شد که به قول نویسنده:«نتیجهٔ این سیاست غیرملی این شد که فرهنگ نویسندگی در کشورما تا امروزیکی ازفقرترین دردنیا باقی ماند.»

مؤلف اثرات ناگواراین خیانت ملی یعنی زدودن زبان فارسی دری راازمعارف کشور میشماردوآنها عامل سقوط فکرو فرهنگ ومایهٔ افتراق مردم می داند.

داکترحیدرخان ضمن صحبت ازمعایب معارف واوضاع نکیتارمکاتب و تدریس،نتیجه میگیرد که «:سیاست تدریسی غیر ملی هفتادهشتادسال اخیر تعلیم یافتگانی رادرجامعهٔ ماتقدیم کرد که بیشترفرصت طلب ومنفعت جو ثابت شدند.»

مؤلف تمرکزقدرت دردست خانوادهٔ مصاحبان، ظلم وپیدادزمان صدارت هاشم خان واثرات آنرا برجامعه باتحلیل عالمانه توضیح میدهد.

نهضت آزادی ودمو کراسی زمان صدارت سپهسالارشاه محمودخان روزنهٔ روشنایی رابسوی مردم افغانستان باز کرد ومؤلف دربارهٔ نتایج مثبت آن صحبت جامعی دارد ونیز درباب عواملی که سبب ازافتادن دمو کراسی وبرگشت استبداد گردید.

باآغاز صدارت مرحوم داودخان، نفوذ تدریجی اتحاد شوروی درافغانستان و مراحل گوناگون آن دورهٔ دهساله زیر ارزیابی قرارمیگیرد. همینطورچهارمین فرصت درقرن بیستم جهت استقرار دولت قانون دردههٔ دمو کراسی، دههٔ دمو کراسی موردبحث و پژوهش گرفته می شود: «بعدازختم مطلق العنانیت داودی، پادشاه افغانستان محمدظاهرشاه باآوردن یک قانون اساسی جدید وکشودن راه بطرف آزادیهای دمو کراتیک، یک فصل جدید رادرراه منسجم ساختن جامعهٔ افغانی بازنمود. قانون اساسی دههٔ دمو کراسی آغازی امیدبخش دربرابراختناق دورهٔ محمدهاشم خان و استبداد وخودسری های داودخانی بود این تحفۀ آزادی ازسوی شاه مملکت، آن هم درشرایط افغانستان آن روزگار عملی درخور تمجیدبود. «مؤلف این دوره را از دورهای زیبای تاریخ سیاسی کشورما شمرده که ازامهیت آن کمترمردم مستشعربودند وشاید بغیرازشخص ظاهرشاه، متباقی همه چندان این عطیه رابموقع ارزیابی دست نتوانسته بودند.

مؤلف دربارهٔ دههٔ دمو کراسی، رفت وآمدحکومتها وجریانهای سیاسی وسایر رویدادهای آن دوره و همکاری مشاورانه اش بامرحوم میوندوال ونفش اودر تدوین«پروگرام اصلاحی میوندوال «وتوضیحاتش دربارهٔ اوضاع دانشگاه وپولی تخنیک واتحادیهٔ استادان ووضع دونیروی مقننه وقضائیه، نفودروزافزون شوروی، اطلاعات و تحلیلهای سودمندی عرضه داشته است.

تحلیل مؤلف ازعلل ناکامی دههٔ قانون اساسی بسیار دقیق وآموزنده است و فی الجمله همه مباحث کتاب، شناخت خوبی را ازدوران معاصر افغانستان در اختیارخواننده میگذارد.

درفصل سوم که «مساعدت اوضاع برای بازگشت داودخان به قدرت وقرار گرفتن افغانستان درمدارشوروی «است، مؤلف سیری درفضای سالهایی که بنگله دش مستقل شد به عمل می آورد. مقارن همین احوال اتحادشوروی درپی نوعی محاصرهٔ اقتصادی چین و کوتاه داشتن دست امریکا درمنطقه مابود وپادشاه افغانستان پیشنهاد پادگورنی را که بکابل مسافرت کرده ازافغانستان خواست که شامل (پکت امنیت آسیا)شود، رد کرد که سبب نارضایتی کرملن شد. روس هاهم چنان ازحل مشکل آب هیرمند که نقطهٔ اختلاف بین افغانستان و ایران بود ناراضی بودند وایجاد فضای نسبتاًمساعد دررابطه باپاکستان هم مایهٔ ناراحتی شان بود، بنابراین کوشیدند که به تغییرنظام درافغانستان مدد برسانند. درداخل کشورنیز دشمنان داخلی وخارجی دمو کراسی فعال بودند واطواع آشفته و امور روی به بن بست داشت تا کودتای داودخان رخ دادورژیم سلطنتی وهمهٔ مظاهر دمو کراسی جای خودرابه جمهوریت داد ودروازهٔ کودتاهابه روی ملت افغانستان بازشد.

درین بحث نگارنده عقیده دارد که کودتای داودخان ناشی ازتوافق شاه بااو بود تاهم فضای تازهٔ سیاسی رویکاریباید وهم «قدرت خاندان » حفظ شود. در این موردگمان می‌رود که نوعی توهم ناشی ازعقیده به تئوری توطئه بکار رفته باشد. دلایل روشنی موجوداست که درفضای سرد روابط میان شاه وداودخان امکان

چنین سازشی وجود نداشت، درحالیکه شاه صدراعظم جوان وپرتوانی رابه صدارت گماشته بود وامید میرفت که باپهود روابط بادوهمسایه زمینه های خوبی جهت تقویت دمو کراسی، وحل مشکلات ناشی ازخشکسالی ورفع دیگرموانع پیشرفت میسرگردد. به دلایل زیر ثابت میشود که کودتای ۲۶ سرطان ناشی ازموافقت شاه وداودخان نبوده است.

اولاً ظاهرشاه به حکومت خاندانی عقیده نداشت ودیدیم که دراولین فرصتی که دور ازنفوذ کا کاها برایش ممکن شد، نخستین صدراعظم غیرخاندانی را رویکارآوردو قانون اساسی هم دست افراد خاندانی را ازهمهٔ اموردولتی کوتاه کرد. اگرشاه میدانست که کودتامیشود ووی ازین سفر برنمی گردد، لاقبل مبلغی پول باخود میبرد تامدتی بتواند زندگی آبرومندانه(نه مجلل) داشته باشد، درحالیکه آقای انصاری سفیرشاهنشاهی ایران درگزارش محرمانه به وزارت خارجه ودربار ایران خبر دادکه پادشاه افغانستان دروضع بسیاربد اقتصادی قرار دارد. اگرتوافقی درین زمینه می بود شاه که میدانست چه نفعی یین سردارولی وداودخان وجود دارد، باید اورا باشاهدخت بلقیس باخودمیبرد. اما چنین نکرد وسردارولی مدت هادراتاق بسیارکوچکی در زیرزینۀ عمارت سینمای ارگ مقابل حرمسرا قراردادشت، جایی که قبلاًبرای نگهداری سگ بکارمیرفت، زندگی کرد. نجات وی ازآنجا وخروج ازافغانستان بادخالش شاه ایران وشاه عربستان صورت گرفت .

قسمت سوم کتاب دربارهٔ کودتای ۷ثور ونتایج آن وقیام ملت دربرابرتجاوز شوروی ویادی آن وتحلیل هایی درآن باب ونیز ظهورمجاهدین و پیروزی ملت افغانستان دربرابرشیطان سرخ رادریر می گیرد.

نهضت امانی موردتجزیه وتحلیل عالمانه وواقع بینانه قرارگرفته . ازلویه جرگهٔ پغمان که اکثر اعضایش راهل جهل وارتماع تشکیل میداد و رد پیشنهادهای انسانی شاه مانند منع نکاح دختران صغیر ومنع نکاح زن ییوه بدون رضایت او، واعتراض ملاهایی که درس جغرافیا راخلاف دین می دانستند که چرا زمینی راکه همواراست مدورمی داند. عجا و حسرتا یکهزارویکصد سال پیش درکتاب حدودالعالم جوزجانی دربارهٔ زمین آمده است که«زمین گرداست چون گوی»«مانند توپ) وپس ازآنهمه قرون واعصار که بشر به چه دست‌آوردهای درخشانی رسیده است، درقرن بیست، ارتجاع و ابلهی وجهالت به مفهوم واقعی آن چه حالی برسملت آورد.

نهضت امانی که ترقی و رشد رادرهمه عرصه های زندگی مردم افغانستان را درنظرداشت، موردسنجش دقیق مؤلف قرارگرفته . بهمین ترتیب رویدادها و حوادث دورهٔ نادرشاه وخانوادهٔ او که نیم قرن برافغانستان حکومت کردند. شیوهٔ کار وشخصیت واثرات مثبت ومنفی اعمال هریک رابر زندگی مردم کشورموشگافانه به تحلیل نشسته است و دامنهٔ حوادث راتازمان جهادمقدس ملت افغانستان دربرابرتجاوز شوروی ومعرفی تنظیمهای جهاد کشانده ودر همهٔ موارد به تحلیل های عالمانه پرداخته است.

داکترحیدرخان در دههٔ دمو کراسی بامرحوم میوندوال همکارفکری بوده است. درین باره گمان نمی رود که داودخان مرحوم دستور به کشتن اوداده باشد چرا که قتل او جزیدنامی برای جمهوریت نوپا حاصلی نمی آورد. درین صورت شهادت اوبدست بازجویان(مستنطقین) کمونیست که اورا رقیب ومخالف مؤثر فکری خود میدانستند، صورت گرفته است.

مطالعهٔ کتاب افغانستان درقرن ۲۰ به همهٔ اهل سواد خاصه استادان وشاگردان حقوق وعلوم سیاسی وجامعه شناسی توصیه وپیشنهاد می شود.

به جناب داکترحیدرخان شادباش بایدگفت وزحمات این استادبزرگ را در نگارش این اثر سودمند ارج باید نهاد./ داکتر سید مخدوم رهین

دنبالهٔ خرابات

آن نمی بینی که دربزم شراب

مست آنکه خوش شود کوشدخراب
ونیز گفته اند که خرابات ومصطبه عبارت ازخرابی اوصاف انسانی وعادات حیوانی و تخریب قوت غضبی وشهوانی وعادات و رسوم وتبذیل اخلاق مذمومه است. مولوی گوید :

در خرابه گنج ها پنهان کنند

خار را گل جسم هارا جان کنند

آن کمال انگیز را سازد یقین

مهر ها رویاند از اسباب کین
تاریخ ادبیات فارسی گواه برآن است که این واژه تازمان ابوسعید ابوالخیر به همین معنی محل فسق وفساد به کاررفته ولی بعد ازآن برای اولین بار در اشعارسنایی وارد شعرتصوفی شده است. گروهی راعقیده برآنست که اگر نزد بعضی ازصوفیه از جمله شیخ محمود شبستری خراباتی شدن ازخود رهایی است. باز خرابات همچنان منزلگاه رندان وتردامنان است نه جای پاکان ونیکان.

(ص ۸)

نصیراحمد رازی

تذکرهٔ خرابات

زمانی که کودک بودم، بطور متداول ومروج روزهای اعیاد و برات و عاشورا ودیگر روزهای مذهبی، به یاری خاله ام رابعه به زیارت مزار پدر ومادرم که سالها قبل آنها را ازدست داده بودم میرفتم . روح شان قرین رحمت حق باد! دربرگشت به سوی منزل گاهگاهی یابه صورت تصادفی ویاقصدی از گذر خرابات عبور می کردیم. خاله ام داستان های زیادی ازخرابات و خراباتیان در سینه داشت وتا رسیدن به منزل چون قصه گویان معابر و واعظان منابر قصه های جالبی رابرایم بیان می کرد. مثلاً ازقاسم افغان می گفت که روزی شاه امان الله خان به افتخار سفیرانگلیس در کابل ضیافت مجللی درباغ پغمان ترتیب داده بود واز استادقاسم نیزدعوت به عمل آورده بود که دراین ضیافت غزل سرایی نماید . اما این مرد که از تبار شرف وغیرت بود، ازشرکت در این ضیافت خودداری نمود. شاه امان الله را این عمل گران آمد ودستورداد تا وی را بصورت فوری احضارنمایند. چون استاد به حضور شاه رسید، امان الله خان بعداز پرسش احوال واطوار علت راجوبا شد. قاسم جسورانه عرض کرد که:«علیحضرتا !خوب میدانید که درحال حاضر انگلیس هاکشوراسلامی مصر و بویژه کانال سویز را بمباران دارند وشما چگونه ازمن تقاضا دارید که برای سفیرش غزلسرایی نمایم. این حرکت خلاف شئون افغان هاست. «شاه از این عمل خویش نادم گردید .

به هرحال، واژهٔ خرابات ازهمان آوان کودکی نمادی ازبزرگی، عیاری، صوفیگری، رفعت، عظمت وتققدس رادر ذهنم تداعی می کرد. همیشه برآن بودم تا حدیث بیشتر از بیش و منش راویان این محل ازسینهٔ خاله ام بیرون سازم، و رجاء واثق داشتم تا خودم روزی بتوانم از واضعان و واصلان این اندیشه ومکتب چیزهایی دراندوختهٔ خویش داشته باشم .

حالا خداوند یگانه را سپاسگرام که این ضعیف راتوان آن عنایت فرمودتا بعدازچندین سال گامی چند لنگ لنگان دراین جادهٔ بی انتها بپیامیم. هرچند به قول ابوعلی سینا، خردمندی از تبار بلخ :

این دل که دراین بادیه بسیارشافت

یک موی ندانست ولی موی شگافت

اندر دل من هزار خورشید بتافت

آخر به کمال ذره ای راه نیافت
نکتهٔ را که شایستهٔ ذکر یافتم وخواستم قبل ازشروع بحث خرابات توضیح دهم اینست که واژه هادربسترزمان نظربضرورت کاربرد آن خلق می شوند، تداوم واستمرار دارند وگاه نابود می شوندو می میرند.

ولی بعضی از واژه ها نابود نشده نظر به ضرورت زمانی و مکانی دریک برههٔ خاص از زمان تغییرمعنی میدهند، مانند کلمات گستاخی، شوخ، سیاست و هزارتای دیگر. و اگر امروز ادبیات شکسپیر ویا متون قدیم فارسی برای نسل جوان ثقلت دارد، علت همین تغییرات درمعنی واژه هاست . اما دربعضی از موارد بعضی از واژه ها دراثر تغییر معنی درجایگاه مقابل یا متضاد معنی قبلی خویش قرار می گیرند که یکی ازهمین واژه ها واژهٔ خرابات است که از بد به خوب رفته ومثال های دیگر از این دسته کلمات روسپید، برکت، عیاران وغیره وغیره است .

خرابات:

به نام آن که آذر را چمن ساخت
دل دوزخ شرر را انجمن ساخت
به معنی میکده، اصل آن درعربی خربات جمع خربه به معنی ویرانه، در فارسی به معنی مفرد جایی راگویند که رندان درآنجا به عیش ونوش سرگرم شوند، جایی که مرکز فسق وفساد باشد، محلی که درآن شیرةٔ تریاک وغیره کشیده شود. شیرکش خانه جای ومرتبۀ بی اعتنایی برسوم وآداب وعادات. این اصطلاح درشعرفارسی جمع به جای مفرد بکار رفته است.

درمورد تعبیرات عرفانی واژهٔ خرابات وریشهٔ معنی واطلاقات آن سخن بسیار است، اما به اجمال درمورد پیدایش این واژه میتوان گفت که با وروداسلام در سرزمین های خراسان، می فروشی ومی گساری ازمنموعات قرارگرفت. میفروشان و سبو کشان درخارج ازشهرها در ویرانه هاوخرابه های متروک به این کار مشغول می شدندوبه آن محل خرابات میگفتند. ولی بعدهابه محل شاهدان شیرینکار و میگساران وساقیان اطلاق شده است. اگرچه گفته اند بدان سبب برمیکخانه هانام خرابات گذارده اندکه موجب مستی وخرابی سبوکشان می شود. برخی نیز آن راشکل دیگر«خورآباد » یعنی محل خوردن ونوشیدن دانسته اند. اما در ادب عرفانی عبارتست از خراب شدن صفات بشری وفانی شدن وجود جسمانی، و خراباتی مرد کامل است. مقام وصل واتصال که واصلان به الله را از بادهٔ وحدت سرمست کند. مولوی گوید :

قصرچیزی نیست ویران کن بدن

گنج درویرانی است ای میر من (دنباله درستون ۲ این صفحه

مشتاق احمد کریم نوری

سائفراسسکو

امریکای (تخم‌دار)در حالت(بی تخمی)

این نوشته را برای دوست گرامی و برادر ارزشمندم محترم ذبیح الله امانیار اهدا می نمایم ، امانیار یار نکته دان و نکته سنج و رفیق شفیقی که حسادت و کدورت و دغل بازی و نامردی ونامردمی در سلک وضمیر ووجدانش جای ندارد. اومدیر عمومی آرشیف رادیو تلویزون ملی افغانستان بود. شخصیت پر سابقه هنری وفرهنگی وفعلآ منشی اجراییوی ومسول ارتباطات اتحادیه سراسری هنرمندان افغانستان میباشد. همواره وقتی ژورنالستان وهنرمندان و در مجموع فرهنگیان ونخبگان با مشکلات مواجه بوده اند و تا فی الحال هستند، اوحاضر به همکاری صادقانه بوده و است. چون پدران مان جنت مکانان قبله گاه شان مدبرصاحب زنده یاد امان الله خان و کاکای شان روانشادشریف خان وقبله گاه صاحب من زنده یاد پاسوال قومندان نورالدین خان نوری وکاکایم روانشاد مدبرصاحب وکیل امیرالدین خان همه درسابق دریک محل و کوچه در شهرقدیم کابل زندگی شرافتمندانه و مخلصانه داشتند، لهذا همواره ما همدیگر را (بچه کاکاجان) وبعضی وقتها هم فشرده تر(بچه کاکا) صدا می نمایم، او همیشه احوالگیر والدینم بوده و درطول دهه ها شناخت و معرفت و رفاقت دراخلاق راستی ودرستی ووفاداری وصدافتش تغییری رونما نگردیده است. همچنان در اخلاصش آب گد نشده است. اوبرای هفت کتاب من تقریظ های نو شته است. فعلا درشهرملبورن – استرالیا زندگی می نماید. اولاد درس خوانده ومهربان تربیه نموده وخانم شان نیزبانوی ارزشمند و خانم متدین و مهربان هستند. محترم. ذبیح الله امانیارنگهبان آرشیف موسیقی افغانستان بوده وتفصیل آنرا در مصاحبه هاراائه داشته است . او انسان متدین و باتدبیر است که در دسترخوان پدر کلان شده است. حرمت و تمکین ناموس و نان و نمک را نیکو میداند، غیبتگر وبشت سرگوی وهمیطور ماست مال و مسکه مال نیست رک و راست انسان است من برای این دوست باوقاروبا شرف ونجیبم ازبارگاه الهی طول عمر وسلامتی کامل تمنا می نمایم .

این شماره امید زمانی به دست مطالعین گرامی خواهد رسید که ماه مبارک رمضان با دهه های گران و خزان اش سیری شده است و شما عزیزان در آواخر دهه (پران) و آستانه عیدفطر وسال جدیدنوقرارخواهید داشت که روزه ونماز وطاعات وعبادات همه تان قبول ومقبول درگاه الهی باد. عیدسعید فطر و فرارسیدن سال نوخورشیدی و حلول نوروز باستان و فرا رسیدن موسم بهاران برایتان مبارک و قطارک و میمون وخجسته باد .

من در کلیشه این نوشته برجسته (تپتر) زدم و(بولداش) کردم که (امریکای تخم دار) در (حالت بی تخمی) بی تخمی امریکا را بمان که کم است خدا ناخواسته این نما و نماد دموکراسی و مردم سالاری گیتی هم به محل بدون دموکراسی و مردم سالاری مبدل گردد که الهی چنین مباد . دو نالد ترامپ ریس جمهور ایالات متحده تهدید نموده بقول بی بی سی که اوعلیه نویسندگان و ژورنالستان ورسانه های که از(منابع ناشناس) استفاده می کنند اقدام قانونی خواهدکرد اودربادداشتی که درشیکه اجتماعیش (ثروت سوشال) پست نموده حتی بیان داشته که یک (قانون جدیدخوب) را برای مجازات نویسندگان و روز نامه نگاران منتقد ایجاد شود . اظهارات او به دنبال انتشار کتاب جدید از مایکل اولف مطرح شده است که درآن ادعاهای درمورد دونالد ترامپ مطرح شده است دراین کتاب از جمله ادعا شده وباهم برجسپ زده شده که (گویا) به نظرمیرسدآقای ترامپ پس ازجان سالم بردن از سو قصد نا فرجام که درتابستان سال گذشته در جریان مبارزات انتخابی به جان اوصورت گرفت، به گفته او، یعنی هولف که اوازنظرذهنی درآستانه فروپاشی قراردادد که این نقل قول وولف گویا ازمنابع ناشناس وغیرمستند گفته شده است که ملانیا خانم ترامپ از او منتفر است . اولین کتاب آقای با لاف او ببخشید اولف درباره ترامپ بنام (خشم وآتش)یکی از پرفروش ترین کتاب های سال ۲۰۱۸ میلادی بود در این کتاب (اونه حاجی سخا) ببخشید. اونه اولف با اتکابه (منابع ناشناس) تصور وتصوربرآشفته وپرهج ومرجی ازاولین سال ریاست جمهوری ترامپ ارائه کرده است. (اما اینجانب کریم نوری باید بگویم که ترامپ چندموقف مثبت هم داشته اینکه میگفت ترا جنسیتی هایعنی(دو جنسیتی ها) ازتشناب های زنانه استفاده نمی توانند وبرای کودکان نباید معلمین دردهن شان در مکتب بیندازدکه تو که بچه هستی خوش می بودی دختر می بودی و یا به دختران نباید پرسیده شودکه از جنسیت ات راضی هستی ، او گفته که او در حکومتش صرف دوجنس رامیشناسد (زن و مرد). دو جنسیتی ها در ورزش او که مرد بوده و خود را زن ساخته است نمیتواند بایک زن اصلی مسابقه بدهدو از تشناب زنانه هم استفاده کرده نمی تواند . هکذا او پدربنچ اولاداست که همه تحصیل کرده و به کانون خانواده وحرمت وطن ومردم ووالدین متعهدندبرایشان همانطورکه درخوردی گفته بوده مشروبات الکهوولی نه همین قسم مواد مخدر نه و هکذا تهتو و یا (خالکوبی) نه همه به نصایح پدر وفادار و مطیع ومتقاد باقی مانده. اند)

این درحالیست دراین هفته زلنسکی ریس جمهور اوکراین که چند روز قبل وزیرمالیه ونماینده دولت ترامپ را مبنی بر سروی منابع معدنی اوکراین ، در کیف ، همین زلنسکی ندید و ملاقات

نکرد اکنون خود برای امضأ و قرار داد امروز ۲۸ فبروری باطلی کردن راه دشوار (مثلث برمودا) Bermuda Triangleمثلث یاد شده در افسانه ها به نام مثلث شیطان هم یاد شده. و مناطق و آبهای است در ماورأی اوقیانوس اطلس و یکی از پر خطوط ترین محل و ورأی حمل و نقل که کشتی ها و طیاره ها وآدم ها از آن رد می شوند. و بعضی ها راهم بلعیده است و کسانیکه از آن طرف آنها به این طرف آنها میرسیدند ویا می روند. او خوش چانس قلمداد می شد که مثلث برمودا را سالم و سلامت رد شده است. امااینبار ولادیمیر زلنسکی بارد شدن ازمثلث برمودا ، در دایره طلسم دیگردرافتاد که دراین مقاله نمبخوام بیشترازاندازه واستحقاق تعین شده برایم واضافه ترازجاغورجریده امید بنویسم. اما به گفته خبرنگار العربیه که از بیرون قصرسفید این نشست را تحت پوشش قرار می داد که گفت این صحنه بی سابقه بوده و به تاریخ خواهد پیوست. به این گفته می شود که زور قالب ندارد و کسی که نان می دهد او باید فرمان دهد وفشارحداکتری یعنی این که خاموش باش. و اگر نه و نی (برایت ککه نمی خرم و جا جانمی برمت)، حتی برای جان بولتن نماینده سابق امریکا در سازمان ملل ومشاورامنیت ملی زمان اول ریاست جمهوری ترامپ این تنش های لفظی واقعا حیران کننده است و دو مصاحبه بیان کرد . و به راستی قرن معاصر در کاخ سفید شاهد چنین رویکرد و دپلوماسی اهرام فشار و پر پتکه و خشکیت و محیط و مکان پر تشنج نبوده است. شرایط فعلی با دپلماسی اینچینی اش ورطه سیاسی را وارد فاز دیگری نظیربرنامه های تیکتاکی و یوتورپرست عریان پیشه و بی بند و بار و (مفسران ومجریان) ببخشید. (تف اسران) غلمغالی و دار داری و منجم باشی های کله خام و جیب پر و شکم گنده واری شده است وهمه چیز(گیم) شده است و درعرف دپلماسی قمار و قطعه ای برد و برگ برنده و طوس و شاه و ماتکه و غلام یاد می شود. و این طور شده است. یعنی همین قسم شده که به مرگ بگیریش که به تب راضی شود که خود بیاید و دست خط کند و خط بینی بکشد که گویا (جک زده است) تا در بدل آن منابع معدنی شان را در اختیار دولت ترامپ قرار می دهد مورد حمایت نسبی باشد هر چند امروز با تنش های لفظی که در کاخ با حضور زلنسکی صورت گرفت. و دیروز و پریروز هم حضور امانوئل مکرون ریس جمهور فرانسه وبعدهم استأمرکی یرصدراعظم انگلیس. و دعوت چارلز سوم پادشاه بریتانیا ازترامپ وتاکیدآنان هم به شکلی تلویحی از اینکه نباید همه تخم هارا دراین (بی تخمی)و (کم مرغی) در سبد پوتین گذاشت. چون قرار است به زودی به میزبانی محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی دیدار روسأی جمهور ایالات متحده و فدراسیون روسیه در سعودی صورت بگیرد و در حصه او کراین تصمیم نهایی اتخاذ گردد او هم در غیاب زلنسکی و حتی کشور های اروپایی ، به همین خاطر مکرون ریس جمهور فرانسه لاجرم به امریکآآمده بودو کی یر استأمر صدراعظم انگلستان هم سراسیمه و سر تنبه به امریکا رسید. . تا کویا فشارحداکثری رابرای زمامداران اروپایی را به حد اقلی تعویض نمایند ، این در حالی است که اعمال فشار بر سر رهبران اتحادیه اروپا دو چندان و چند چندان گردیده است از سوی دیگر با تغییرات و تبدلات ژرف و شگرف ، اقلیمی که هم بکلی درتغیر ونوسان است در کالیفورنیا نوع ماهی ملقب به (ماهی قیامت) به گل نشسته و دیده شده است.

گذشته از آن که اضافه از یکصدو پنجاه از نسل دولفین ها و تمساح ها در استرالیا درآب خیزی های اخیر همین ماه به گل نشسته وتلف شده اند .این در حالی است که آتش سوزی های طولانی در کالیفورنیا ، و دهها موضوعات سیاسی ونظامی و اجتماعی دیگر در جهان در هاله از ابهام و اتهام باقی مانده است در جاپان همین هفته در حدود پنج متر برف باریده است امریکا که خود صادر کننده تخم مرغ بود و تخم مرغ صادر. می کرد ، اکنون مرغ و. تخم مرغ وارد می کند زمانی بود که ممکن درپی ناشکری هاکسانی حتی نو آمده گی ها مرغ وتخم مرغ را چندان میل ومیلان نمی نمودند و گوشت مرغ و تخم مرغ را بر نمی تابیدند ، مهمانی مرغدار را نمی خواستند وتخم مرغ راهم چندان نمی پسندیدند از همان نوآمده گیها که با تخم پذیرایی اش میکردیدبعداز ترک دسترخوان بدون تمکین به سفره ها که(هرچه وخداو است). به تبصره های عدم پاسداشت ازنان ونمک وحرمت دسترخوان می پرداختند که فلائی و یا فلائی ها مرغ خورده و تخم مرغ خورده کم است که (فتقتاس) نمایند ازقماش خودی ها هم وقتی زیرپلو مرغ باشد وگوشت نباشد برحالا می گویند که مرغ را نمی پسندد و درمهمانی های مرغ دار نام میزبان را(مرغی) و (مرغ باز) ویا (مرغ). یاد می نمایند و امروز دیده می شود که در ناشکری ها همو مرغ هم کمیاب و حتی رو به نایاب شدن است ممکن از بی مرغی کمی چاره شود که خدا ناخواسته از نداشتن و ازبی دموکراسی گری نمی شود چاره کرد .

می آیم سربحران بی مرغی وبی تخمی که چطوراین مشکلات بروز کرد وچطور بااعلام اینکه درگرین کاسل پنسلونایا یک تریلر(لاری های کلان) با ده هزار تخم مرغ ارگانیک (طبیعی)که معادل صدهزاردالربود سرقت گردید و بعدازآن این ضرب المثل اضافه شد که از(طلادزدی کرده مرغ دزدی و تخم دزدی خوب است).

البته باید گفت که به دنبال بحران کرونا قیمت مواد غذایی طور سرسام آورافزایش یافت وقسمی شد که بعد از کوید نزده هم

شرح اشتراک هفته نامه امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۰)دالر- یکسال(۸۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۴۵) دالر = یکسال (۹۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه(۵۰) دالر- یکسال (۱۰۰)دالر

Omaid Weekly
12286 Ashmont Ct #202
Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A
Tel : (703) 491-6321
Email: mkqawi471@gmail.com

قیمتها همان طور بالا باقی ماند گذشته از اینکه جنگ روسیه و اوکراین را مثال می آورند که غله جات این کشورهای پرغله هم دچار آشکال شده است. بحران بی تخمی و کم مرغی و انفلونزای مرغی و در مجموع انفلونزای پرندگان مشکل را جدی تر ساخت به صد ها محل پرورش مرغ که مالکین دیدند که مرغ های شان مریض شده اند و یا در حالت بیماری اند آنان را کشتند. این درحالیست که در اضافه از ۱۶۰میلیون مرغ هم درائرِ اِنْفِلوُنْزا ازین رفتند و قلت مرغ و فارم داری و مریضی همه در واقع با قیمتی روز افزون. جهشی چشمگیری. داشته است. که بطورسرسام آور اقلام و قیم در تغیر و نوسان بوده است. اکنون دزدان دریایی مرغ دزد شده اند!

هکذا شدت رقابت در مسایل سیاسی و سمپتی و بازی های دولت های زمان کرونا برسر رقابت ازاسرائیل و اوکراین و مشکل خاورمیانه وغزه و لنگر سر تسلیحات ، و تجهیزات نظامی و نظامی گری باعث بحران غذایی شد حالا پروژه های مرغ داری مصروف سیستم سازی اند که از سیستم قفس داری را به فضای آزاد می خواهند که تبدیل دارند و هکذا واکسیناسیون در وقت و زمانش بر بالای مرغان صورت گیرد که خود زمانبر و پرهزینه است اکنون که قیمت تخم مرغ از سال قبل ۵۰ الی ۶۵٪بلند رفته به نظرنمیرسد که قیمت ها به سالهای قبل بر گردد . و اینک جواب ناشکری هاو ناشکرانی است که بعضی هامیگفتند مرغ چیست و تخم مرغ چیست ، همه آنها کبر و ناشکری و ناسپاسی داشتند. نا شکری های شان پرداخته راهی اند انتخابات که در بسا کشور ها انجام شده راهی است بیشتر محافظه کاران و او هم محافظه کاران نوین در آستانه پیروزی و رسیدن به اریکه قدرت اند طرز فکری بیشتر شان با اصطلاح جدید. (نوبینزم و ترامپیزم) که افاده دارند که برای ما مهم نیست که کدام پهلوان می میرد و یا می بازد ، برای ما این مهم است که بالای سر او پهلوان ای که ما شرط می بندیم او پیروز میدان شود و ببرد و برنده شود ، درواقع میدان قمارکه می خواهند به اصطلاح قمار بازان اگر (چکه) بگویند باید چکه بنشیند ، واگر(پاو) بگویندباید که (پاو بنشیند) و روی سکه همان طرفش خوبش است که اگربگویند شیر بنشیند و اگر بگویند خط ، خط بنشیند . درنشست کابینه ۲۶فبروری که شخص ترامپ حضور داشت بودن ایلان ماسک قابل مکث بود او هم بدون دریشی و نکثایی و با کلاه بیس بال و نوشته شده بدان (دو باره به امریکا عظمت دهیم) و هکذا دیده شدن او در دفتر و یا اطاق کار ریس جمهور دفتر یضی و یا بیضوی ، که طفلش هم سر شانه هایش وبالای سر ریس جمهور ترامپ ایستاده ، ویا نوع سلام وژستهای زمان نازی گری همه صید و نشر این عکس ها خوراک تبلیغاتی وسایل ارتباط جمعی شده است که حتی به نحوی هم او را ریس جمهور ماسک جا زده اند ولی به نظر می رسد که هنوز هم همچو عکس ها این دو را بیشتر از پیش (برادرخوانده های جانهِ جانی) تر نموده است هر چند پست و جایگاه و مقام ایلان ماسک یک مقام انتخابی نیست و عضویت اودردولت ازطرف سنای امریکاتایید نشده(امایقول معروف که بعضی ها در دولت های بودند که گویاسپاهی بودنداما جترالان را هم برطرف ویا سیلی کاری می توانستند) وقتی خبرنگاری از ایلان ماسک پرسید که در باره اخراج گسترده کارمندان دولت فدرال که هنوز اعتصابات و مظاهره ها جریان دارد پرسید ماسک از اقدامش دفاع کرد وگفت که مهم است که کسر بودجه مهار شود ، هکذا زمانیکه دردفتربیضوی کار ریس جمهور امریکا ایلان ماسک طفلش بر سرشانه هایش به جواب خبرنگاری ازافریقا که شماپنجاه ملیون دالر(کاندوم)پوقانه برای غزه فرستادیددرحالیکه در موزمبیق و درمجموع افریقا اچ ای وی مردم را سخت تهدید می کند ، ماسک هر چند گفت که هیچ کس صد در صد درست نیست ممکن اشتباه شده باشد ولی لاجرم سهو خود را اصلاح و تصحیح کردیم. به همین خاطر حضور ماسک و هکذا حضور پر رنگ مولتی میلونر ها وکرور پتی ها تیتَر دیگر رسانه ها شد که گویا آیآگذار از دموکراسی به الیگارشی خواهد شد . خصوصاً که تازه ترامپ از طرح جدید و نوع فرمان های متعدد (تره کی گونه اش) او به ضد فیودالان و این به نفع فیودالان ، ولی در واقع به شکلی از اشکال غریب ها و کلاس متوسط را نشانه گرفته و در بدر نموده روان اند .

